

نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی

«دست دادن با شیطان و
رقصیدن با گرگ» با هدف
«برد - باخت»

مهدی سامع

قرار است روز هفتم خرداد امسال بین رژیم ایران و آمریکا مذاکراتی درباره مسائل عراق در بغداد صورت گیرد. در باره این مذاکرات و پیامدهای آن تحلیل و تفسیرهای گوناگونی در رسانه های جمعی جهان و در رسانه های دولتی در داخل ایران انتشار یافته است.

آیت الله خامنه ای ولی فقیه نظام روز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت در جمعی که خبرگزاریهای دولتی آنان را «علماء، فضلا، اساتید حوزه های علمیه، ائمه جمعه و جماعات و همچنین طلاب علوم دینی مشهد» معرفی کرده در مورد علت «شور حسینی» عده ای از کارگزاران حکومتی می گوید: «علت خوشحالی برخی محافل داخلی از طرح بحث مذاکره با آمریکا تصور آنها مبنی بر فاصله گرفتن از ارزشهای امام خمینی (ره) و انقلاب است..... کسانی که تصور می کنند جمهوری اسلامی ایران سیاست مستحکم، منطقی و صد در صد قابل دفاع خود را در نفی مذاکره و ارتباط با آمریکا، تغییر می دهد، سخت در اشتباه هستند.» خامنه ای در مقابل موضع دولت آمریکا که گفته اند به غیر از موضوع عراق، در مورد مساله دیگری مذاکره نخواهد کرد می گوید: «ما به آنها می گوئیم حتی موضوع عراق هم به شما ربطی ندارد و گفت و گو فقط در مورد وظیفه اشغالگران در قبال امنیت عراق است.» وی در مورد محتوی این مذاکره می گوید: «به دلیل این که آمریکا به عنوان دولت اشغالگر به وظایف خود در برقراری امنیت در عراق عمل نمی کند و دست دولت این کشور را بسته و برای سرنگونی آن تلاش و از تروریستها نیز حمایت می کند، وزارت امور خارجه به درخواست دولت عراق تصمیم گرفت در یک گفت و گوی رو در رو با آمریکاییها، مسئولیت و وظایف آنان را در قبال امنیت عراق یادآوری و با آنها اتمام حجت کند.»

بقیه در صفحه ۲

شعار کارگران روز اول ماه مه:

کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد

زینت میرهاشمی

اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه

مه، روز همبستگی جهانی کارگران

در صفحه ۴ و ۵

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

- بوریس یلتسین، نماد فساد و خیانت (۱۹۳۱-۲۰۰۷)

- دیوار

«در حالی که "جهانی سازی" به معنای جهانی است که برای سرمایه داری مرزی قابل نمی شود اما همزمان، بر تعداد و طول و بلندی و ضخامت دیوارها، حصارها، خندقها، هره ها، خاکریزها، ردیابهای متحرک، دوربینهای حرارت سنج، سیستمهای اشعه ای، ابزار و آلات دیده بانی شبانه، هلیکوپتر و انواع بسیاری دیگر از ابزار کنترل کننده مرزها که مراحل تکمیلی را طی می کند، افزوده می شود.»

در صفحه ۷

جهانی سازی سرمایه،

جنگ و کودکان

الف - آناهیتا

«کاهش دایمی حقوق زحمتکشسان همراه با انحصاری کردن و گسترش تصاحب ثروت های ملی توسط شرکتهای بزرگ در راستای سیاست نولیبرالیسم اقتصادی باعث شده که بخش عظیمی از کودکان به خصوص در کشورهای فقیر از ابتدایی ترین حقوق خود بی بهره گردند.»

در صفحه ۱۰

سرمقاله

تدارک چینی برای آخرالزمان

منصور امان

در حالی که مهلت دو ماهه شورای امنیت سازمان ملل (در هنگام نگارش این مطلب) آخرین روزهای خود را شماره می کند، بر تحركات رژیم جمهوری اسلامی در پهنه سیاست خارجی و داخلی نیز افزوده می شود. اگر چه در عرصه دیپلماسی، این جنب و جوش بیشتر به صورت پنهانی و در قالب نشستها و مذاکرات محرمانه جریان دارد، در قلمرو داخلی تحولاتی که بر این مینا شکل گرفته و به گردش می افتد، چه به دلیل آثار عمیقی که بر جای می نهد و چه از آن رو که خود در نقش آستان و گذرگاه رویدادهای دیگر عمل می کند، در سطح صورت پذیرفته و برای همگان مشاهده پذیر و قابل ثبت است.

توجه به آرایش و کنش و واکنشهای داخلی "نظام" به ویژه از آن رو که به گونه نیرومندی از بحرانهای موجود تاثیر می گیرد و در سایه آن شکل می یابد، می تواند به درک بهتر رویکرد رژیم ملاحظا در برابر چالشهای مهمی که با آنها روبرو است، یاری رساند. بقیه در صفحه ۳

بازی دو سر باخت

جعفر پویه

«گفتگوی لاریجانی و سولانا بجای باز کردن چشم اندازی برای یک دیپلماسی دندانگیر، آنچه ان دلسردی ای بار آورده است که دو طرف هیچ تمایلی به ادامه کار به این شیوه ندارند. در چشم انداز برای دو طرف کور سویی نیست و دیپلوماسی آهسته اما حساب شده آمریکا یکی پس از دیگری قدرت خود را بر سیاست بگیر و ول کن رژیم اعمال می کند.»

در صفحه ۸

سرنگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن، هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

یادداشت سیاسی

«دست دادن با شیطان و رقصیدن با گرگ» با هدف «برد - باخت»

بقیه از صفحه ۱

در همان روزی که خامنه ای خط مشی نظام پیرامون مذاکره با آمریکا را تشریح می کند روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود با عنوان «تعادل محور باشید»، گماشته ولی فقیه را «فردی بدون تعادل» نام برده و نوشته است که «ما دوست نداریم رییس جمهورمان طوری سخن بگوید و طوری تصمیم بگیرد که به عدم برخورداری از تعادل متهم شود.»

این عدم تعادل را پاسدار محسن رضایی با گفتن این که قطار اتمی «هم ترمز دارد، هم دنده عقب» و منوچهر متکی هم با گفتن این که «هر بچه دبستانی می داند که نمی توان هیچ کشوری را از روی نقشه محو کرد» به احمدی نژاد یادآوری می کنند.

سیاست جمهوری اسلامی در مورد مذاکره و رابطه با آمریکا با مثال «با دست پیش کشیدن و با پا پس زدن» همخوانی داشته و خامنه ای با مدیریت این خط مشی اهداف خود را پیش می برد. واقعیت این است که نظام حاکم بر ایران در تقابل با بحرانهای لاعلاج داخلی و تنفر و انزجار عمومی از حاکمیت، راهی جز ادامه سیاست صدور بحران و بنیادگرایی ندارد. اگر جمهوری اسلامی به سیاست تعامل و سازگاری با جامعه جهانی تن دهد و اگر از خط مشی ایجاد امپراطوری اسلامی دست بردارد، با توجه به تهدید اصلی داخلی که همانا مردم جان به لب آمده می باشد، در این صورت از فرصتهای خارجی برای ادامه بقا محروم شده است. این نکته ایست که خامنه ای همواره به کارگزاران ولایتش یادآوری می کند. خامنه ای هیچگاه با مذاکره به طور کلی مخالفت نکرده است. مذاکره برای مذاکره و یا مذاکره با نتیجه «برد - باخت» همواره مورد حمایت خامنه ای بوده و از این پس نیز خواهد بود. این مذاکرات برای ولایت خامنه ای بنا به گفته پاسدار حسین شریعتمداری «دست دادن با شیطان و رقصیدن با گرگها» است اما خامنه ای با گفتن این که مذاکره برای «اتمام حجت» است به عمله و آکره خود یادآوری می کند که اگر قرار است امنیت ولایت فقیه از طریق صدور بحران و استفاده حداکثر از فرصت عراق تامین شود او می تواند دست هر

شیطانی را از پشت ببندد و گرگ گرسنه ای تا لب چشمه برده و تشنه برگرداند. این حقیقت انکار ناپذیر در مذاکرات چند ساله پیرامون مذاکرات اتمی به اثبات رسیده و در جریان تمامی گفتگوها علنی و مخفی پیرامون بحران عراق هم خود را نشان داده است. نتیجه حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور یک «برد» به حساب ولایت خامنه ای واریز کرده است. جمهوری اسلامی بدون کوچکترین هزینه در اکثریت نقاط عراق تسلط خود را برقرار کرده و در دولت کنونی این کشور نفوذ گسترده ای دارد. خامنه ای برای استفاده از این فرصت هیچ تردیدی به خود را نمی دهد. اما معادله «برد - باخت» در توازن کلی قوا میان نظام حاکم بر ایران و دولت آمریکا به عنوان دو اشغالگر در عراق، معادله پایداری نخواهد بود. این نکته ایست که پس از قطعنامه های شورای امنیت در رابطه با سیاست اتمی رژیم و پس از کنفرانس شرم الشیخ برای بخشی از ولایت خامنه ای هشدار دهنده است و همین نکته است که به تضادهای درونی نظام دامن می زند و منوچهر متکی را وادار می کند تا در اردن به گماشته ولی فقیه مارک «بچه دبستانی» بزند.

روزنامه آفتاب یزد در سرمقاله روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۶ خود با عنوان، «احساس غرور نکردم» با یادآوری این که فرصت مذاکره دولت آمریکا با جمهوری اسلامی، «در کنفرانس شرم الشیخ به هر علت از دست رفت» و با اشاره به این که خانم رایس گزینه نظامی را روی میز دانسته و دیک جین، معاون رییس جمهوری آمریکا در عرشه ناو نظامی آمریکا در خلیج فارس رسماً ایران را تهدید کرده م، نویسد: «دولت همواره موقع مناسب را از دست می دهد و زمانه دست به کار می شود که تهدیدها به کار افتاده باشد.»

این نگرانی را روزنامه جمهوری اسلامی هم در شماره روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت خود در مورد شور و شغف و بی تابی بخشی از اصولگرایان در مورد رابطه با مصر منعکس کرده و از این که «اصولگرایی بسیار زودتر از اصلاحات به مسلخ» رفته و «تعدادی از نمایندگان اصولگرای مجلس» از پیشنهاد تجدید روابط فوری با مصر استقبال کرده اند اظهار تعجب کرده و می نویسد: «دسته ای از نمایندگان همچنان بی تابانه در انتظار چراغ سبز حسنی مبارک لحظه شماری می کنند. قدرت چه معجزاتی دارد!»

سایت بازتاب نیز در مقاله به قلم رسول جعفریان که در روز ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۶ منتشر شد می نویسد: «اگر واقعا هدف آمریکا محاکمه ایران باشد، در آن صورت چه موضعی از جانب ایران اتخاذ خواهد شد؟» نویسنده با اشاره به ولع شماری از مسئولان رژیم برای مذاکره

انفجار در اربیل و اعزام نیرو به مرز

جعفر پویه

دولت خودمختار کردستان اعلام کرد که برای جلوگیری از ورود تروریستهای آموزش دیده از جمهوری اسلامی، بیش از هزار نفر از نیروهای خود را به منطقه مرزی اعزام کرده است. این تصمیم در پی انفجار کامیونی مملو از مواد منفجره در مقابل وزارت کشور منطقه خودمختار کردستان گرفته شده است.

در گذشته نیز بارها دولت خودمختار به مقامات رژیم درباره اعزام تروریست به این منطقه اعتراض کرده بود اما رژیم نه تنها این موارد را به شدت رد می کند بلکه، با توسل به روابطی که از قبل با مقامات این منطقه داشته، سعی می کند تا خود را دوست دولت خودمختار جا بزند.

براساس برخی اخبار منتشر شده، پس از دستگیری تروریستهای اعزامی رژیم در کردستان عراق توسط نظامیان آمریکایی، مقامات محلی کردستان گفته بودند که عناصر اصلی مورد نظر آمریکاییها توسط آنها از منطقه خارج و شبانه از مرز بین دو کشور عبور داده شده بودند. اما اکنون که عناصر تروریست تربیت شده توسط رژیم عملیات خود را به داخل کردستان کشانده اند، مقامات محلی خود با اعزام نیرو به منطقه مرزی در عمل در حالت جنگی با رژیم قرار گرفته اند. این در حالی است که چند روز قبل هوشیار زبیری، وزیر امور خارجه عراق از تجمع نیروهای رژیم جمهوری اسلامی در نزدیکی مرز با کردستان ابراز نگرانی کرده بود.

گسترش درگیری به داخل کردستان عراق برای ناموفق جلوه دادن دولت محلی آن است. زیرا ممکن است کردهای طرف دیگر مرز در ترکیه و ایران نیز خواهان حقوقی مشابه باشند که این برای دو دولت ایران و ترکیه مشکلی اساسی به شمار می رود. دخالت رژیم در کردستان از دو زاویه مورد بررسی است؛ یکی ناموفق جلوه دادن حضور ارتش آمریکا و دیگر، ناموفق بودن کردهای خودمختار! بنابراین اینگونه می شود گفت که رژیم جمهوری اسلامی یکی از دشمنان جدی دولت خودمختار کردهاست و تظاهر به دوستی با آنان نیز تا وقتی ادامه خواهد داشت که بتواند آنها را در حد مقدور کنترل کند.

تدارک چینی برای آخرالزمان

بقیه از صفحه ۱

در حقیقت می توان در این رابطه از یک تناسب وازگون میان اقدامات و فعالیت‌های مخفی و مجرمانه در صحنه بین المللی و افزایش شتابان تحرکات سیاسی در دستگاه حکومتی با همه متعلقات جناحی و باندی آن سخن راند. بدین سبب، تمرکز گرد دومیین وجه مُعادله مزبور، تا حدود زیادی می تواند مشخصات و چگونگی دیپلماسی مخفی و مهمتر از همه، جهتی که به سوی آن به حرکت درآمده را بازگو کند.

چند علامت پُرشش

تنها نگاه گذرایی به نقاط پُرششی که دیپلماسی جمهوری اسلامی در جریان حرکت خود در ماه گذشته (اردیبهشت) به جا گذاشته است، برای اشاره به اهمیت پرداخت بیشتر به صورت حسابهای جمع زده شده ی آن در داخل کافی به نظر می رسد.

دیدار لاریجانی - سولانا در ترکیه، یکی از آشکارترین این نمونه ها به شمار می آید. اگر چه مذاکره کننده هسته مَلاها اصرار می ورزید که برای "شنیدن ایده های جدید" طرف خارجی خود به این دیدار می شتابد اما روشن است که این در بهترین حالت فقط نیمی از حقیقت می تواند باشد. بی گمان آقای لاریجانی نیز فراتر از ایده های "دنده عقب" و "ترمز"، نکاتی را برای ارایه کردن داشته است که در اصل، علت و ضرورت مُلاقات در آنکارا را توضیح می دهد. این همان بخشی از ماجرا است که دبیر شورای عالی امنیت مَلاها پیرامون آن با سرسختی سکوت اختیار می کند زیرا بهایی که رژیم او در هر بده و بستان فاسد یا ادامه ماجراجویی هلاکت بار ناچار به پرداخت آن است، به هیچ عُنوان با موجودی آن چه در جامعه و چه بین باندهای تشکیل دهنده دستگاه قدرت همخوانی ندارد.

همین مصلحت اندیشی را در مورد اعلام آمادگی برای مذاکره با آمریکا در مورد عراق نیز می توان مشاهده کرد. رهبران جمهوری اسلامی نه تنها در توضیح علت عقب نشینی خود از پیش شرطهای "مذاکره همه جانبه" و "نشان دادن حُسن نیت" ناتوان مانده اند بلکه، پیرامون آن چه که با خود بر سر میز مذاکره خواهند بُرد نیز به لگنت زبان دُچار شده اند.

از سوی دیگر، به مُوازات اقداماتی که از سوی محافل رسمی و دولتی صورت می گیرد، بازیگران دوجانبه، لایبها و دلایلهای غیر رسمی نیز که از پستوهای گوناگون قدرت در جمهوری اسلامی بیرون می آیند، در این یا آن گوشه دُنیا

در حال حرکت هستند. رییس جمهور پیشین رژیم مَلاها، حُجت الاسلام خاتمی، از داووس تا واتیکان مشغول سرک کشیدن و سر و گوش آب دادن است و همزمان، آقایان روحانی و مُحمد جواد لاریجانی نیز با طرفهای خارجی امکانات مُعامله زیر میزی را چرتکه می اندازند.

سطح زیرین تحرکات خارجی

شاید هیچ نشانه روشن تری از دستگیری آقای موسویان، یک مذاکره کننده ارشد در تیم پیشین هسته ای رژیم و از اعضای باند حُجت الاسلام رفسنجانی، نتواند متنی که در حاشیه آن دیپلماسی کنونی جمهوری اسلامی نکارش می شود را برجسته کند. بازداشت وی به اتهام جاسوسی و سپس رهاسازی اش پس از مدت کوتاهی، کشاکش بین دو قطب نیرومند در ساختار قدرت جمهوری اسلامی بر سر چگونگی واکنش به فشارهایی که "نظام" با آن روبرو است را به لبه ی سن آورد. یورش باند نظامی - امنیتی به نقطه فوقانی در هرم رهبری باند آقای رفسنجانی، تنها نشانگر حساسیت شکننده شرایط کنونی و در نتیجه واکنش فوق العاده در مقابل آن نیست بلکه، همچنین این امر یک دلیل دیگر خود را در افزایش تحرک رقبای باند ولی فقیه می یابد؛ فاکتوری که علت آن را تنها می توان با تضعیف موقعیت ذوب شدگان آیت الله خامنه ای در نتیجه ی اصطحاک فزاینده و دایمی داخلی و خارجی توضیح داد.

نزدیک به دو سال پس از آنکه حُجت الاسلام رفسنجانی با ضربه چکمه گماشتگان ولی فقیه به گونه تحقیرآمیزی از مدار قدرت به بیرون پرتاب شد، اینک "نفر ذوم نظام" یک بار دیگر بساط خویش زیر "خیمه نظام" را تجدید سازمان داده است. او برای بازپس گیری مکان خود ناچار نبود به تلاش طاقت فرسایی دست بزند، این خدمت را باند آقای خامنه ای با مانور دادن خود به بُن بست پرونده هسته ای و راندن ماشین دودی بی ترمز "نظام" به سمت دیوار شورای امنیت، برای او به جا آورد.

اما این تنها تاثیر دردناک افول تدریجی باند نو به دولت رسیده نمی توانست باقی بماند زیرا این وضعیت بسیار زودتر از آن که در خارج از صُوف آن ثبت شده و مورد بهره برداری قرار گیرد، در میان اعضا و وابستگان آن به صورت ریزش و تلاشی بازتاب یافت. جدال اخیر بر سر شهرداری تهران و کوشش ناموفق برای کشیدن صندلی از زیر پاسدار قالیباف، در همین کادر جریان یافت؛ اقدامی که در انتها با انتساب رسمی شماری از اعضای باند ولایت در مجلس زیر نام "اصول گرایان مُستقل"، شکاف پدید آمده در ساختاری که برای یکپارچه سازی

دستگاه قُدرت سازمان داده شده بود را به گونه برگشت ناپذیری به تمام لایه ها و سطحهای آن گسترش داد.

بُحران در مُدیریت بُحران

به همان میزان که دایره ی مانور قُدرت رسمی در اثر فشارهای داخلی و خارجی محدود شود، به همان میزان که در نتیجه این وضعیت، تاکتیکهای دیگر برای تحقق استراتژی "حفظ نظام" فضای بیشتری برای طرح و نمود بیابد، گرایش باند حاکم به سمت ساز و کارهای امنیتی - پلیسی به منظور ترمیم اقتدار خود شدت می یابد. این سیاست تا آنجا که به سرکوب اجتماعی و کنترل قهری اعتراضهای طبقه کارورز و اقشار پیشرو دانشجویی، زنان و روشنفکران مربوط می شود، مورد توافق جُمَلگی باندهای حکومتی قرار دارد. چه، شکل گیری یک گزینه ی مُستقل از درون این صف بندی و تمایز شدن راه حلهایی برای چیرگی بر بُحرانهای سیاسی - اقتصادی و خارجی که الزاما به حفظ منافع دستگاه قُدرت مشروط نمی شود، با خواست و اهداف هیچیک از آنها همخوانی ندارد. با این وجود، همان گونه که پیداست تیغ سرکوب تنها با یک لبه از نیام بیرون کشیده نمی شود. دستگیری آقای موسویان تنها پیش درآمد آهنگی است که هم در عروسی و هم در عزای "نظام" نواخته خواهد شد. بی گمان نکته یاد شده از چشم هموردان باند ولایت پنهان نمانده است. از این رو، می توان گفت که راهکار عمده باندهای حکومتی برای تنظیم رابطه با یکدیگر را تلاش در جهت پیشدستی بر رقیب در تمامی حوزه های جدال تشکیل خواهد داد.

پیام بسیج حکومت علیه جامعه

آن چه که هم اکنون در سطح خیابانهای شهرهای بزرگ کشور و مراکز مهم دانشجویی جریان دارد را با تعریف دیگری جز یورش همه جانبه حکومت علیه جامعه برای مهار و در چنگ گرفتن آن نمی توان توصیف کرد. در همان حال که در نتیجه فقدان احزاب و تشکلهای سیاسی به مثابه آماج اصلی، سرکوب نیز ابعاد اجتماعی می یابد، دلایلی که این هجوم بر آنها استوار گردیده نیز با غلظت بیشتری از ویژگیهای مذهبی - ارتجاعی آکنده می شود. این امر از یک سو تراشیدن پوششی غیر سیاسی برای سرکوب را در دسترس می گذارد و از سوی دیگر، در خدمت بسیج نیروهای خود و تحریک و جذب عقب مانده ترین اقشار اجتماعی قرار دارد. آزار زنان با توجیه ناسازگاری پوشش آنها با دستورات و مَقَررات اسلامی یا هُجوم به دانشگاه به بهانه توهین به رهبران مذهبی، رنگهای پرچمی که زیر آن ماشین قهر حکومت به حرکت درآمده است را به

روشنی مُتمایز می کند. بازگشت رژیم ولایت فقیه به ترفندها و ابزارهایی که در یکی از بی ثبات ترین دوره های حیات خود بین سالهای ۵۸ تا ۶۰ بدانها مُتوسل شده بود، در همان حال که به زبانی گویا از بیمناکی "نظام" نسبت به سرنوشت خود حکایت می کند، همزمان بر ژرفا و گستره نیروی اعتراضی در جامعه نیز ناخواسته صحه می گذارد.

محورهای نگرانی رژیم مَلاها که آن را هر روز بیشتر از پیش به مصاف این نیرو بر می انگیزد، نخست در تهدید بالفعل آن است که با افزایش اعتراضهای هدفمند و جهت دار طبقه کارورز و اقشار پیشرو اجتماعی و تقویت تلاش آنها برای سازمانیابی و طُرح مُشکل خواستههای خود نمایان شده است. در مرتبه ی بعد، تهدید بالقوه همین نیروها در شرایطی است که "نظام" به نوار پایان خط بُحران بین المللی خود سینه سپرده باشد. ورود به هر دو حالت تشدید بُحران یا نفس بُریدگی و عقب نشینی، رژیم مَلاها را در موقعیتی به کلی دگرگون شده قرار خواهد داد که ویژگی مُشترک آن جنگ یا سیاست ورزی از مُوضع ضعیف خواهد بود. آن چه که رژیم مَلاها در این شرایط کمتر از همه بدان نیاز دارد، به مُبارزه طلبیده شدن از سوی آن دسته از نیروهای اجتماعی است که نه فقط با خواسته های بی پاسخ مانده بلکه، همچنین با مطالبات جدید نشأت گرفته از توازن موجود به میدان خواهند آمد.

از این رو می توان گفت، یک گرایش بسیج کنونی رژیم علیه مردم، مُتوجه شرایط در راه است و نبردی که در یک سوی آن، پیشرو ترین طبقات و اقشار (از حیث آگاهی نسبت به منافع و خواسته های خود) و در سوی دیگر، ارتجاعی ترین تمایلات و باندهای سیاه قرار خواهند گرفت.

برآمد

آخر الزمانی که آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر مسند ریاست جمهوری، این روزها به نمایندگی از سوی هم ریشان خود با شدت و حرارت بیشتری نشانه های در رسیدن آن را احساس می کند، به واقع نیز در آفق یک دوره ی تعیین کننده از حیات سیاسی جمهوری اسلامی سو سو می زند. مسیر مومنان مکتبی "نظام" برای رسیدن به "آخر دُنیا" با خرما و شلاق سنگفرش شده است. دایره ی انتخاب بهشتیان و دوزخیان آتی چندان بُزرگ نیست چرا که توسل پنهانی یا آشکار به هریک از این دو مائده را کیفی دُشوار به انتظار ننشسته است.

شعار کارگران روز اول ماه مه: کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد

زینت میرهاشمی

تشکل یابی و سازمانیابی مستقل کارگری، دفاع از کارگران زندانی، امنیت کار، افزایش حقوق متناسب با افزایش نرخ تورم از جمله شعارهای کارگران در این روز بود.

روز سه شنبه ۱۱ اردیبهشت، در حالی که وابستگان به حکومت از کارگران می خواستند که «علیه مسئولان و وزاری دولت» شعار ندهند، کارگران شعارهای خود را بر محور سیاستهای دولت و پایوران رژیم، سر دادند. بر اساس گزارش خبرگزاری حکومتی ایلنا در این روز، هزارها کارگر با شعارهایی چون «وزیر بی لیاقت استعفا، استعفا»، «دولت، مجلس شعار نده، عمل کن» و «مرگ بر ظالمین» به سمت میدان هفت تیر راهپیمایی کردند. علیرغم دخالت نیروهای انتظامی و درگیری با راهپیمایان، کارگران حرکت مستقل خود را به سمت این میدان ادامه دادند. ایلنا در رابطه با این حرکت مستقل کارگران می نویسد: «با وجود تلاشهای ماموران نیروهای انتظامی، کارگران در دسته های ۱۰۰ و ۲۰۰ نفره به سوی میدان هفت تیر در حال حرکت هستند و با شعارهایی همچون «نیروی انتظامی، خجالت، خجالت»، «حکومت عدل علی، این همه بی عدالتی»، «کارگر، کارگر، اتحاد» و «کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد» به راهپیمایی خود ادامه می دهند.

روز اول ماه مه، هزاران کارگر کارخانه های مختلف سنجند علیرغم حضور انبوهی از نیروهای انتظامی، در مقابل اداره روابط کار این شهر تجمع اعتراضی بر پا نمودند. تعداد زیادی از کارگران فعال در این مراسم دستگیر شدند.

جعفر عظیم زاده، سخنگو و عضو هیات مدیره اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار ایران در گفتگویی با رادیو فردا روز جمعه ۱۴ اردیبهشت گفت: «کارگران به سوی میدان آزادی سنجند راهپیمایی کردند که در این مسیر نیز با گاز اشک آور و باتوم مورد حمله قرار گرفتند. این حمله ۱۵ کارگر از جمله ۵ تن از اعضای اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار ایران، بازداشت و عده بسیاری مجروح شدند.»

در روزهای بعد، این دستگیریها همچنان ادامه داشت. روزهای چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت و پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت باز هم تعدادی از فعالان کارگری در این شهر دستگیر شدند.

روز اول ماه مه، جشن همبستگی و اتحاد کارگران در سراسر جهان، کارگران ایران زیر سیطره استبداد، از برگزاری آزادانه این جشن محروم بودند. علیرغم این که استانداری تهران، نمایش دولتی روز کارگر را در استادیوم آزادی و یا حوالی قبر خمینی اجازه داده بود، کارگران، دانشجویان، معلمان در اشکال متفاوت خارج از برنامه حکومتی این روز را گرامی داشتند.

خامنه ای برای پیشگیری از همايشهای احتمالی کارگری در این روز نیروهای سرکوبگر خود را از قبل بسیج کرده بود. روز یکشنبه ۹ اردیبهشت، ولی فقیه خشمگینانه درخواست مطالبات صنفی را نقشه «دشمن برای اختلال در تمرکز و برنامه ریزی دولت» اعلام کرد. وی از مردم خواهان «اتحاد و همبستگی» شد. ولی فقیه به کارگران و مزدبگیران اخطار کرد که «جامعه کارگری حل مشکلات خود را در چارچوب نظام اسلامی جستجو کند».

در پی همین رهنمود ولی فقیه بود که استانداری تهران کارگران را برای راهپیماییهای اعتراضی در روز اول ماه مه سر قبر خمینی دعوت کرد.

دستگیری مجدد محمود صالحی و فشار و آزار فعالان کارگری، بازداشت تعداد زیادی از فعالان حرکتیهای اعتراضی معلمان، کارگران و مزدبگیران را از برگزاری همایش این روز و اعلام خشم و اعتراض نسبت به سیاستهای استثمارگرانه رژیم ولایت فقیه باز نداشت.

روز جمعه ۷ اردیبهشت کارگران همراه با تعدادی از دانشجویان در یک حرکتی ابتکاری و شجاعانه، پیشاپیش روز کارگر را در شمال غرب تهران برگزار کردند. در این همایش بی سابقه، چند هزار کارگر و دانشجو شرکت داشتند. شرکت کنندگان این همایش را «گلگشت» نام نهادند. در این گردهمایی کارگران ایران خودرو، ایران سایپا، شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کارگران نقاش کار و فعالان کارگری و نیز دانشجویان دانشگاههای مختلف تهران شرکت داشتند. نیروهای انتظامی برای بر هم زدن این همایش، پلاکاردهای کارگران را از آنها گرفته و تعدادی از آنها را بازداشت نمودند. بازداشت شدگان در این همایش، زیر فشار و اعتراض شرکت کنندگان در پایان برنامه آزاد شدند. برخورداری از

دولت احمدی نژاد تا حالا، نزدیک به ۱۲۰ هزار میلیارد تومان یعنی دو برابر رشد در تمام آن سالها رسیده است.» (سایت آفتاب ۱۰ اردیبهشت)

اعتراضهای معلمان به وضعیت حقوقی و کاری خود، اعتراض کارگران به بیکاری و شرایط معیشتی و نیز دستمزدهای پایین در ماههای اخیر گسترده تر و پیوسته تر شده است. این اعتراضها، واکنشی در برابر افزایش تعداد افراد زیر خط فقر و نیز سنگین شدن جیب دستمگران حاکم بر جامعه است.

در حالی که احمدی نژاد، دست نشانده خامنه ای با مستهایی گره کرده در هوا و شعارهای توخالی از انرژي هسته ای دم می زند و فریبکارانه ادعای «حق

خانواده های دستگیر شدگان روز پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت، در برابر دادگستری کردستان تجمع اعتراضی نمودند.

روز سه شنبه ۱۸ اردیبهشت وکیل کارگران زندانی «جلال حسینی» و «محمود صالحی» که به جرم شرکت در تظاهرات روز جهانی کارگر در سال ۸۳ در سقز، در زندان به سر می برند از محکومیت و حبس تعزیری و تعلیقی آنها خبر داد. وی گفت از موکلانش خواسته شده که «از هر گونه تجمع غیر قانونی و محل نظم اجتماعی اعم از صنفی و غیر صنفی خودداری و از تماس و مکاتبه های مخابراتی، الکترونیکی، اینترنتی و غیبه با گروهها و اشخاص ضد انقلاب پرهیز کنند.»



مردمی» می کند، کارگران با شعارهای اعتراضی و طرح خواسته های خود، تو دهنی به این ادعاهای پوچ زدند. یکی از شعارهای کارگران در روز اول ماه مه، «ما انرژي هسته ای نمی خواهیم، حقوق ۱۸۳ هزار تومانی نمی خواهیم» بود.

احمدی نژاد که در هفته های گذشته با داده های آماری قلابی، با تمسخر مورد اعتراض همقطاران خودش قرار گرفت، بار دیگر بر این اماره های دروغ تاکید کرد.

وی در گفتگویی تلویزیونی روز جمعه ۲۸ اردیبهشت، ضمن ادعای پیشرفت در امر سرمایه گذاری داخلی و خارجی، ایران را از امن ترین کشورها، برای سرمایه گذاری دانست.

در ادامه سیاستهای ویرانگر اقتصادی و خصوصی سازیهای که وابستگان به حکومت از آن بهره می برند، بسیاری از واحدهای تولیدی به ویژه در زمینه نساجی که سابقه برخی از آنها به نیم قرن می رسد تعطیل شده اند و آنهایی که هنوز پا برجا هستند در حالت رکود به سر می برند.

بقیه در صفحه ۶

افزایش ۲ میلیون فقیر در طی دو سال

حقوق ماهانه کارگران ۱۸۳ هزار تومان در سال ۸۶ تعیین شده است و این میزان حتی در رابطه با کارگران قراردادی و نیز واحدهای تولیدی کمتر از ۱۰ نفر اجرا نمی شود.

رجبعلی شهبازی (رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی) در ایران، در گفتگویی با ایلنا ۱۹ اردیبهشت گفت: «دستکم ۳۰ درصد کارگران قراردادی کشور از دریافت حقوق و مزایای قانونی محروم هستند.»

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس رژیم، در انتقاد به سیاستهای اقتصادی دولت احمدی نژاد به افزایش ۲ میلیون نفر فقیر طی دو سال گذشته اعتراف کرد. هادی حق شناس، در گفتگویی با خبرنگار سایت آفتاب جمعه ۱۴ اردیبهشت، گفت که در دوران احمدی نژاد ۲ میلیون نفر به افراد زیر خط فقر اضافه شده است. در رابطه با سیاستهای دولت احمدی نژاد، بیژن شهبازی، نماینده مجلس رژیم، بر اساس نظر کارشناسان، اعلام کرد که «نقدینگی از ابتدای خلق پول تا سال ۸۴ در ایران حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان بود و این نقدینگی از زمان

گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران

گزارش شرکت فعالان

سازمان در همایش

روز کارگر

اول ماه مه در نورنبرگ

(آلمان)

گزارش از حسن ساکت
روز جهانی کارگر مانند
سالهای قبل با استقبال زیاد
در شهر نورنبرگ آلمان برگزار
شد.
فعالان سازمان چریکهای
فدایی خلق ایران با پرچم
سازمان در گردماییهای این
روز شرکت کرده و منشور
سازمان به زبان آلمانی را
پخش کردند.

از ساعت ۹ صبح راهپیمایی
توسط تشکلهای مختلف از
چند نقطه شهر آغاز شد و در
ساعت ۱۱ شرکت کنندگان
در تظاهرات در مرکز شهر
پشت موزه ملی تجمع کردند.
در این محل سخنرانیها با
سخننمانده سندیکیای
کارگری «وردی» آغاز شد
که در سخنان خود از
اعتراضات کارگران و کارکنان
تلفن آلمان (تلکوم) که قرار
است ۵۰ هزار تن از آنان
اخراج شوند، حمایت کرد.

پس از آن آقای مالی شهردار
اول شهر نورنبرگ که از
حزب «اس پی دی» می
باشد سخنرانی جالب و
کوتاهی ایراد نمود که در آن
از خواست سندیکیاهای
کارگری برای تثبیت ۷،۵
یورو مزد برای یک ساعت
کار که تقریباً با استاندارد
اروپایی همخوانی دارد اعلام
کرد.

در این گردهمایی پر شکوه
«جوانان سوسیالیست آلمان»
(فالکا) شرکت داشتند که
شعار آنان «نازی برو گمشو،
در آلمان جدید نازیسم جایی
ندارد» بود.

همچنین تعداد زیادی از
کارکنان تلکوم آلمان شرکت
داشتند که در پایان
گردهمایی ۲ بادکنک به هوا
رها کردند که بر روی آن
نوشته شده بود ناگر با هم
باشیم، اخراج وجود ندارد.»

در این گردهمایی تعدادی از
کردهای عراق و ترکیه نیز
بقیه در صفحه ۶

کمیته آزادی تشکلهای مورد توجه قرار بگیرد.»
در اول ماه مه سال گذشته و در جریان
تجمع کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی
تهران در برابر اداره مرکزی شرکت واحد
واقع در خیابان هنگام، نیروهای سرکوبگر
به این گردهمایی یورش برده و پس از
ضرب و شتم کارگران تعدادی از فعالان
سندیکیای شرکت واحد را بازداشت کردند.
دستگیری کارگران شرکت واحد و کارگران
معترض دیگر واحدهای صنعتی در سال
گذشته به طور مستمر ادامه داشت. با این
وجود کارگران، مزدبگیران و معلمان ایران در
سال گذشته دست به صدها حرکت اعتراضی
زدند که برای اجتناب از طولانی شدن این
بیانیه به تعدادی از آنها که بدون شک کمتر
از ۱۰ درصد حرکتهای اعتراضی می باشد
اکتفا می کنیم.*

حرکتهای اعتراضی کارگران در کارخانه های
نساجی شاهو، نساجی کردستان، یخچال
سازی بو ژان، چینی البرز، شرکت ایران
صدرا، کف کار گیلان، پارسیلون، پامیکو،
پارس لحیم، شن و ماسه کهگیلویه و
بویراحم، کشتی سازی اروند، پالایشگاه
نفت آبادان، شهرداری آبادان، نساجیهای
کاشان، فرنج، مه نخ، نازخ در قزوین،
رساندگی کاشان، پوشینه بافت قزوین، فولاد
الباژی بزد، بافت ایران در استان گیلان،
کاشی گیلان، تکنیک کار و تیگو و
پتروشیمی زاگرس در منطقه عسلویه،
لاستیک البرز اسلامشهر، نساجی غرب در
کرمانشاه، چیت سازی بهشهر، دشت ناز
ساری، صنایع پوشش رشت، الکترونیک ایران
رشت، ملاصدرا، پتروشیمی خراسان (چند روز
متوالی)، نوشابه سازی ساسان از جمله صدها
حرکت کارگری در سال گذشته بود.

مبارزه متحد و یکپارچه کارگران، زحمتکش
و مزدبگیران کشور ما برای نجات از استبداد،
جهل، فقر، فحشاء، بی خانمی، عقب
ماندگی که در سال گذشته ابعاد وسیعی
یافت، اکنون وارد مرحله تعیین کننده ای
شده است. کارگران ایران می توانند و باید
پیشتر مبارزه علیه حکومت استبدادی حاکم
بر ایران، پیشتر مبارزه علیه جنگ و
تجاوزگری نظامی و پیشتر مبارزه برای
تحقق دموکراسی، عدالت، جدایی دین از
دولت باشند. بدین لحاظ ما از تمامی
کارگران، کارکنان و مزدبگیران شاغل در
مراکز دولتی و خصوصی و از تمامی مدافعان
آزادی و توسعه پایدار می خواهیم که متحد و
متشکل شوند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در
آستانه اول ماه مه با این اعتقاد که کارگران
و مزدبگیران سازندگان اصلی جهانی انسانی
و «جهانی دیگر» هستند، یکبار دیگر
همبستگی خود را با مبارزه کارگران و
مزدبگیران ایران اعلام می کند و به تمامی
زنان و مردانی که به خاطر دفاع از حقوق
کارگران به زندان افتاده و زیر شکنجه های
مزدوران رژیم مقاومت می کنند درود
می فرستد.

ما فعالان سیاسی خارج کشور را به فعالیت
مستمر در دفاع از جنبش کارگری ایران فرا
می خوانیم.
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
اردیبهشت ۱۳۸۶ - آوریل ۲۰۰۷

خط فقر تعیین شد و این در حالیست که
نرخ تورم روز به روز افزایش می یابد.
جمهوری اسلامی با افزایش هزینه های
که به امنیت نظام مربوط می شود، فقر و
بی خانمانی را افزایش می دهد.

کارگران و مزدبگیران ایران از یک طرف
تحت ستم و سرکوب نظام استبدادی
مذهبی ولایت فقیه قرار دارند و از طرف
دیگر باید هزینه سیاستهای رژیم برای
پیوستن به اردوی جهانی سازی نئولیبرال
را بپردازند. آنان همزمان فشار استبداد
مذهبی و تعرض عنان گسیخته سرمایه
داران را با تمام گوشت و پوست و
استخوان خود حس می کنند.

رژیم ایران با پشتیبانی از کارفرمایان و در
راس آن دولت به مثابه بزرگترین کارفرما،
به سرکوب مبارزه کارگران و مزدبگیران
ایران اقدام می کند. در حالی که کارگران
ایران خواستار حق کار، حق اعتصاب، حق
تشکلهای مستقل کارگری و حق
برخورداری از بیمه های اجتماعی هستند،
کارفرمایان با حمایت رژیم هر روز
کارگران بیشتری را اخراج می کنند و
نیروهای سرکوبگر رژیم کارگران را
سرکوب و زندانی می کنند.
کارگران، مزدبگیران، معلمان و پرستاران
ایران در مقابل این اوضاع فلاکتناز راه
مبارزه و مقاومت را انتخاب کرده اند.

حرکتهای نیروی کار در سال گذشته در
ابعاد گسترده به شکلهای گوناگون صورت
گرفت. یکی از مهمترین اقدامات کارگران
و مزدبگیران ایران در سال گذشته طرح
شعار «زندگی انسانی حق مسلم ماست»
در مقابل شعار حکومتی «انرژی اتمی حق
مسلم ماست» بود. زحمتکش ایران با
طرح شعار خود حرکتهای عوامفریبانه
حکومت برای «هلی» جلوه دادن پروژه
های ماجراجویانه را خنثی کردند.

بخشی از حرکتهای کارگران و مزدبگیران
ایران همچون حرکتهای اعتراضی
کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و
حومه و مبارزه گسترده معلمان و زنان
ایران علیه سرکوب و حشایشه حکومت
در طول سال گذشته در رسانه های بین
المللی انعکاس وسیع پیدا کرد مورد
حمایت بسیاری از سندیکاها و اتحادیه
های مهم جهان قرار گرفت.

دبیرکل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه
های کارگری طی چند نامه به دبیر کل
سازمان جهانی کار خواستار توجه جدی
این سازمان به وضع کارگران ایران شد.
آقای گای راید، دبیرکل کنفدراسیون بین
المللی اتحادیه های کارگری مساله
سرکوب، زندانی کردن و محاکمات غیر
عادلانه کارگران را مورد توجه قرار داده و
در یکی از این نامه های خود به دبیرکل
سازمان جهانی کار می نویسد: «با نظر به
این حقیقت که اکنون روشن شده است
که آقایان محمد صالحی، جلال حسینی،
محسن حکیمی و برهان دیوانگر همگی
به خاطر فعالیتهای به حق و مشروع
اتحادیه های کارگری محکوم شده اند،
اتحادیه بین المللی سندیکاهای کارگری
بسیار سپاسگزار خواهد بود که این
اطلاعات جدید همراه با شکایت قبلی در

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به تمامی
کارگران، مزدبگیران و زحمتکشان جهان
تبریک می گوئیم و برای جنبش کارگری
در سراسر جهان در مبارزه علیه استثمار،
استبداد و عقب ماندگی موفقیتهای بزرگ
آرزو می کنیم.

طی سال گذشته جهان شاهد گسترش
جنبش کارگران و زحمتکشان بود. در
تمامی نقاط جهان اعتراضهای گسترده
علیه فقر، بیکاری، تبعیض و بی عدالتی و
علیه تهاجم انحصارات امپریالیستی به
سطح زندگی و معیشت خود بی وقفه
جریان داشت.

مبارزه مردم در سراسر جهان علیه جنگ،
نظامیگری، انباشت سلاحهای مخرب، در
دیکتاتوری، تروریسم و بنیادگرایی با
مبارزه کارگران و زحمتکشان جهان در
پیوند عمیق قرار داشت.

در کشورهای عقب افتاده مبارزه برای به
رسمیت شناختن حق تشکلهای کارگری،
برای بالا رفتن دستمزدها، حق اعتصاب
و حق برخورداری از بیمه های اجتماعی،
برای پایین آمدن ساعات کار و برای
برابری زنان و مردان از حقوق مساوی در
کار مساوی همچنان ادامه یافت.

مهمترین رویداد کارگری در عرصه
جهانی تشکیل «کنفدراسیون بین المللی
اتحادیه های کارگری» (ITUC) بود.
روز چهارشنبه اول نوامبر ۲۰۰۶
نمایندهگان ۳۶۰ تشکل کارگری از ۱۵۰
کشور جهان برای بنیادگذاری این
اتحادیه بین المللی در وین گرد هم آمدند.
در این گردهمایی به مثابه کنگره
مؤسسان که سه روز به طول انجامید
«کنفدراسیون بین المللی سندیکاهای
آزاد» با بیش از ۱۵۰ میلیون عضو و
«کنفدراسیون جهانی کار» با ۲۶ میلیون
عضو شرکت داشتند. تشکیل این تشکل
بین المللی به نیروی کار اجازه می دهد
که با قدرت بیشتر در مقابل روند
جهانی شدن لیبرالیسم جدید ایستادگی
کرده و نقش مداخله گرانه بیشتری ایفا
کنند.

گای راید، اولین دبیرکل کنفدراسیون
بین المللی اتحادیه های کارگری در
سخنرانی خود در کنگره مؤسسان این
تشکل کارگری گفت: «کنگره ای که
امروز در آن شرکت داریم، یک رویداد
تاریخی است، تشکل جدید نماینده
حقیقی کارگران و کارمندان و متحدترین
اتحادیه سندیکایی در تاریخ خواهد بود.»
وی اضافه کرد که: «ما به یک جنبش
گسترده سندیکایی در سطح بین المللی
نیازمندیم که بتواند به چالشهای رو به
گسترش روند جهانی شدن پاسخ دهد.»
تشکیل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه
های کارگری اقدامی موثر در جهت
اتحاد کارگران جهان در جهت مداخله
هر چه بیشتر در حیات اجتماعی است.

شرایط زندگی و مبارزه کارگران،
زحمتکش و مزدبگیران ایران در سال
گذشته به و خامت بیشتری کشیده شد.
حداقل حقوق کارگران برای سال گذشته
و سال جاری کمتر از یک سوم میزان

۱۲ اردیبهشت

برای معلمان

روز موفقیت بود

جعفر پویه

یک روز پس از نمایش قدرت کارگران در خیابانهای تهران به مناسبت روز همبستگی جهانی کارگران، روز چهارشنبه گروهی از معلمان معترض در مقابل وزارت آموزش و پرورش تهران تجمع اعتراض آمیز برگزار کردند.

در روز ۱۲ اردیبهشت، روز معلم، مقامات رژیم همه سعی خود را کردند تا با برگزاری مراسم حکومتی و وعده و وعید جلو عملی شدن برگزاری تجمع سراسری معلمان را بگیرند. اما برگزاری گردهماییهای موفقیت آمیز در سراسر کشور نشانگر شکست حکومت در این کار است. کسانی که در مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کرده بودند یکصدا خواهان آزادی معلمان زندانی شدند و با سر دادن شعار و حمل پلاکارد خواسته های خود را با صدای بلند اعلام کردند.

این درحالی است که غلامحسین الهام، سخنگوی دولت، معلمان معترض را وابسته به خارج خوانده و وزارت کشور نیز از صدور مجوز برای این تجمع خودداری کرده بود. اما برگزاری موفقیت آمیز این تجمع نشان داد که مزدبگیرانی که در شرایط بسیار بد معیشتی زندگی می کنند، نیازی به صدور مجوز از سوی عوامل حکومت ندارند و از بی چاک و دهانهایی چون الهام نیز باکی ندارند. زیرا آنها تبعیض و بی عدالتی حکومت و مقامات آنرا محکوم می کنند و خواستار توجه به حقوق و دستمزد خود هستند.

همزمان از شهرستانها نیز خبر می رسد که معلمان تجمعهای موفقیت آمیزی برگزار کرده اند و حاضر به سکوت در مقابل تهدیدهای حکومت نیستند.

چالش جدی حکومت با مزدبگیران از مرز تهدید و اتهام به تجمع کنندگان گذشته و وارد فاز جدیدی شده است. حکومت چاره ای جز گردن گذاشتن به خواست آنان ندارد زیرا اینگونه که آنها تصمیم جدی برای پیگیری خواسته های خود دارند، دیگر سرکوب کارساز نخواهد شد و باید گفت که ابتکار عمل اکنون در دست مزد بگیران است. همبستگی اقشار مختلف می تواند این ابتکار عمل را قدرتمندتر کند.

۱۳ اردیبهشت ۸۶

گزارش

بقیه از صفحه ۴

شرکت داشتند. در یکی از شعارهای آنان نوشته شده بود: «و جلالن راحت دارد، و جلالن آزاد باید گردد» همچنین «امنستی انترناسیونال» نیز با میز کتاب در این گردهمایی شرکت داشت و برای دفاع از حقوق بشر در چند کشور امضا جمع آوری می کردند.

گردهمایی با موزیک آفریقا که در حمایت از گرسنگان آفریقا و در اعتراض به نقض حقوق بشر در چند کشور آفریقایی بود در ساعت ۳ بعد از ظهر پایان یافت اما شرکت کنندگان در این جشن کارگری تا ساعتها پس از پایان برنامه به بحث و گفتگو با هم ادامه دادند. در قسمتی دیگر از شهر گروهی از نئونازیسمها تظاهرات داشتند که به وسیله پلیس کاملاً کنترل می شد. اما زمانی که گروههای نئونازیسم به مرکز شهر نزدیک شدند درگیری با پلیس شروع شد که در این میان این گروهها تعدادی از مراکز زباله کاغذ را آتش زدند. در نورنبرگ گروههای نئونازیسم فقط در روز اول ماه مه خود را نشان می دهند و در طول سال هیچ فعالیت محسوسی ندارند و اکثریت مردم نیز مخالف سرسخت آنان می باشند.

کلن (آلمان)

گزارش از کریم محمودوند

به دعوت اتحادیه سراسری کارگران و کارکنان آلمان فعالان سازمان در این مراسم با گذاشتن میز کتاب شرکت کرده و با کسانی که به میز تبلیغاتی سازمان مراجعه می کردند بحث و گفتگو کرده و منشور سازمان به زبان آلمانی را پخش کردند. در این مراسم گروههای مختلف از کشورها و ملت‌های مختلف شرکت داشتند. مراسم ماه مه در شهر کلن با راهپیمای آغاز و در یکی از میدانهای معروف شهر کلن پایان یافت.

اول ماه مه در دوئیسبورگ هامبورگ (آلمان)

گزارش از فریدون رضائی

روز جهانی کارگر مانند سالهای قبل در این شهر برگزار شد. گردهمایی در برابر شهرداری دوئیسبورگ هامبورگ از ساعت ۸ آغاز شد. تعداد کثیری از سازمانها و گروه ها و احزاب مختلف آلمانی و خارجیان مقیم آلمان در این مراسم شرکت داشتند.

منشور و اطلاعاتیه ۱ ماه مه سازمان در بین شرکت کنندگان توزیع شد. از میان احزاب و گروهها، حزب مارکسیست لنینیست آلمان (م - ل - پ - د) ، و حزب آتیک (آ - ت - ی - سی - کی) که از احزاب قوی و بزرگ ترکهای ترکیه و در تمام اروپا اکتیو است، از انتی فاشیستهای بخش وزل و حومه، سازمان یونگه لینکه وزل (جوانان چپ وزل) درود های رفیقانه برای سازمان داشتند.

راهپیمائی از ساعت ۱۰ صبح آغاز شد. این راهپیمایی در لند شافت پارک که از کارخانه های متروکه آلمان و در حال حاضر پارک و میداگاه همیشگی ۱ ماه مه کارگران دوئیسبورگ و حومه پایان یافت.

راهپیمائی بدون درگیری برگزار شد و راهپیمایان با پرچمهای مختلف وارد فابریک قدیمی شدند. در طول روز برنامه های هنری و سخنرانی جریان داشت. در یکی از سخنرانی ها به مسئله سنگسار دو دختر جوان در ایران اشاره شد که در روز نامه بیلد چاپ شده بود.

شعار کارگران

روز اول ماه مه

بقیه از صفحه ۵

احمدی نژاد از نزدیکی آمار صادرات و واردات صحبت می کند و نیز ادعا می کند که «در طول یک سال و نیم اخیر، ۲ میلیون شغل ایجاد» کرده است. این ادعاهای پوچ گماشته ولی فقیه، در حالی اعلام می شود که صندوق بین المللی پول در آخرین گزارش خود در باره چشم انداز اقتصادی خاورمیانه، آفریقای شمالی، آسیای مرکزی، نرخ رشد اقتصاد ایران را منفی ارزیابی کرده است. این گزارش که در ماه مه ۲۰۰۷ انتشار یافته رشد تولید ناخالص داخلی ایران را رو به کاهش دانسته است. داده های آماری این گزارش حکایت از این می کند که: «نرخ رشد تولید ناخالص داخلی از ۵/۳ در صد در ۲۰۰۶ به ۵ در صد در سال ۲۰۰۷ کاهش یافته است.»

همچنین بر اساس این گزارش نرخ رشد اقتصاد ایران پایین تر از میانگین رشد ۳۰ کشور خاورمیانه، آفریقای شمالی، آسیای مرکزی و قفقاز قرار دارد. هادی حق شناس، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس هفتم، قبلاً اعلام کرده بود که در دو سال اخیر ۲ میلیون نفر به افراد زیر خط فقر اضافه شده است. حتا داده های آماری نهادهای وابسته به رژیم پوچی ادعاهای احمدی نژاد را تایید می کند.

مهمترین اعتراض‌های

کارگری در اردیبهشت ماه

روز جمعه ۳۱ فروردین کارگران شهرداری آبادان در برابر فرمانداری این شهر تجمع اعتراضی نمودند. اعتراض این کارگران به عدم دریافت حقوق و مطالبات عقب مانده خود انجام گرفت.

روز شنبه اول اردیبهشت تعدادی از کارگران اخراجی شرکت زمزم واقع در کرمان همراه با خانواده های خود در برابر در ورودی کارخانه تجمع اعتراضی بر پا نمودند. این کارگران با سابقه های کار ۷ تا ۱۲ سال از کار برکنار شده و در قراردادهای جدید موقت با کارفرمای بخش خصوصی این واحد تولیدی امکان وارد شدن به کار خود را خواهند داشت.

بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران کاغذ سازی کارون، روز جمعه ۷ اردیبهشت در برابر دفتر ریاست جمهوری دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران اخراجی این تجمع اعتراض خود را به مدت یک هفته ادامه دادند. خبرگزاری ایلنا شنبه ۸ اردیبهشت از ضرب و شتم این کارگران خبر داد.

حسن حسنی، کارگر واحد تولیدی «کنف کار» با سابقه ۱۸ سال کار، در برابر فقر زانو زده و خود را حلق آویز کرد. کارگران «کنف کار» واقع در رشت روز شنبه ۳۰ اردیبهشت در اعتراض به وضعیت کاری که باعث خودکشی این کارگر با سابقه شده است، بعد از خاک سپاری همکارشان، در برابر استانداری گیلان دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران این واحد تولیدی مدت ۱۱ ماه است حقوقشان را دریافت نکرده اند. خبرگزاری دولتی ایلنا (شنبه ۳۰ اردیبهشت) تعداد کارگران شرکت کننده در این تجمع اعتراضی را ۲۰۰ تن اعلام کرد.

کارگران اخراجی شرکت «آرد سفید» واقع در ورامین در اعتراض به بیکاری خود و تعطیلی این کارخانه، روز جمعه ۲۱ اردیبهشت تجمع اعتراضی در مقابل خانه دولتی کارگر واقع در پاکدشت بر پا نموده و خواهان بازگشت به کار خود شدند.

رژیم در مقابله با شرایط بحرانی کنونی، و در هراس از گسترش، و رشد اعتراضهای مردمی، آشکارا و در ارتجاعی ترین شکل، به جنبش اجتماعی مردم یورش برده است. آزار دانشجویان و یورش به دانشگاهها و دستگیری فعالان دانشجویی قبل از فرارسیدن ۱۸ تیر، دستگیری فعالان حقوق زنان، و سرانجام دستگیری معلمان و کارگران به جرم اعتراض به وضعیت معیشتی خود از جمله تاکتیکهای حاکمیت استبدادی برای ادامه حیات در برابر خواست دموکراتیک و عادلانه مردمی است که این نظام دیکتاتوری را نمی خواهند. رویدادهای مبارزاتی مردم نشان می دهد که رژیم نمی تواند با همه این شیوه های استبدادی مردم را خاموش کرده و از این خواسته بر حق باز دارد.

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

- بوریس یلتسین، نماد فساد و خیانت
(۱۹۳۱-۲۰۰۷)
- دیوار

بوریس یلتسین، نماد فساد و خیانت
(۱۹۳۱-۲۰۰۷)

بوریس یلتسین، اولین رییس جمهور روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روز ۲۳ آوریل سال جاری در سن ۷۶ سالگی در اثر بیماری قلبی از جهان رفت.

یلتسین، بی پرستی ترین و بی اراده ترین عضو رهبری حزب و دولت شوروی، به همراه میخائیل گورباچف، دبیر کل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، در پهن کردن بساط فاجعه بار ترین رویداد قرن بیستم، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نقش تعیین کننده ای ایفا کرد.

یلتسین با همدستی آمریکا، فقر و گرسنگی و بیکاری، جنگ و ناامنی را نصیب مردم این کشور نموده و خود بر خرابه های به وجود آمده، دلقک وار ریاست کرد.

حاصل اقدامات او و گورباچف در دوران به اصطلاح گلاسنوست و پروسترویکا، تنها برای مردم این کشور فاجعه بار نبود بلکه، تأثیرات مخربی بر زندگی میلیونها نفر از کارگران و زحمتکشان سراسر جهان نیز بر جا نهاد.

با محو اتحاد جماهیر شوروی از نقشه جغرافیایی، امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، شعله های آتش میلیتاریسم، سیاست نو - مستعمراتی و جنگ قدرت بین قدرتهای جهانی برای کنترل منابع طبیعی و غیره را برافروخت. مهمترین نمونه های آن جنگ در افغانستان و عراق است که زندگی در این دو کشور را به جهنمی بدل کرده است. همزمان، با اوج گیری خشونتها، سطح زندگی و حقوق دمکراتیک مردم زحمتکش سراسر جهان از غرب و میانه و شرق اروپا تا آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و حتی ایالات متحده آمریکا، دچار دگرگونی رو به عقب و تزلزل آشکاری شد.

اگر چه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به مثابه "پایان تاریخ" بشر نیست اما در خلاء به وجود آمده، ایدئولوژیهای بورژوازی به این نتیجه رسیدند که آمریکا اکنون می تواند بر تمامی جهان بدون داشتن رقیب و یا اپوزسیون حکومت کند و از همین رو دست به تدوین اقدامات سلسله وار و تهاجمی در این زمینه زدند. این تفکر در پی خود بحرانهای سیاسی و اقتصادی خطرناکی را نیز در بر داشته است.

در آغاز قرن بیستم، تضادهای میان سیستم جهانی سرمایه داری به بحرانهای روابط بین کشورها در سطح جهانی انجامیده و منجر به جنگ و درگیریهای شده بود که به از دست رفتن جان میلیونها انسان انجامید.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ که به تشکیل اتحاد جماهیر شوروی انجامید، به بن بست تاریخی ناشی از نظام سرمایه داری پایان داد. رشد اجتماعی و توجه به زندگی و حقوق کارگران فرآورد این رویداد بود. اتحاد جماهیر شوروی به رهبری حزب بلشویک و دو رهبر بزرگ آن، لنین و تروتسکی، بر پایه تجدید کل سیستم جهانی، برابری اجتماعی و برنامه های اقتصادی دمکراتیک بنا شد. اما بوروکراسی استالینی به این فرآیند خیانت کرد و اتحاد جماهیر شوروی را به عقب ماندگی و انفعال سیاسی کشاند. او در اواسط دهه ۱۹۳۰ به حذف فیزیکی یک نسل از روشنفکران سوسیالیست و کارگران آگاه دست زد. این امر و رد مسیر طبیعی انقلابات جهانی، به تدریج به تضعیف جنبشهای انقلابی در جهان انجامید.

بین دهه های ۳۰ تا ۸۰ میلادی، تنها مالکیت ملی که دستاورد انقلاب ۱۹۱۷ بود، دست نخورده باقی ماند و این رژیم با ایده ها و متدهای سوسیالیستی دیگر مقابله کرد. بوریس یلتسین فرآورده همین اوضاع سیاسی و اجتماعی بود. سازشکاری، محدود بودن افق دید، عدم تحمل اندیشه های منتقدانه، خود بینی، ماجراجویی و نگاه تحقیر آمیز او به مردم عادی خصلتهایی بود که بذر آن در بوروکراسی استالین ریخته شده بود. وادیم روگووین، تاریخ نویس روسی، نسل یلتسین را در کتاب هفت جلدی خود بنام "آیا آلترناتیو دیگری وجود داشت؟" به طور مشروح توصیف کرده است. او توضیح می دهد که یلتسین از جمله افراد دستچین شده استالین برای عضویت در حزب بود. این افراد کسانی بودند که بی پرستی کامل، وجه مشخصه آنان به شمار می رفت. آنها از جانب استالین ترفیع مقام یافتند زیرا "بدون هیچگونه سوال و اعتراضی هر گونه فرمان رهبر را گردن گذاشته و هیچگاه به عادلانه یا انسانی بودن آن فکر نمی کردند."

او می افزاید، یک نسل از افرادی مانند یلتسین وجود داشت که "گستاخانه فاسد و بی تفاوت به باورهای بودند که پایه های اخلاقی کشور از آن شکل گرفته بود." روگووین به طور کلی این فرضیه که افرادی مانند گورباچف و یلتسین در نتیجه "یک تحول آنی" تغییر مسیر دادند را باور ندارد و اینکه کسانی "تا سن ۶۰ سالگی کمونیست بودند و بعد یکباره و ناگهانی تبدیل به ضد کمونیستهای بی شرمی شوند" را محال می داند.

اگر چه در میان این لایه یا نسل مورد اشاره روگووین اختلاف نظرهای جدی نیز وجود داشت تا آنجا که به رویارویی مسلحانه در سال ۱۹۹۱ و ۱۹۹۳ نیز کشیده شد اما بیشتر اختلاف نظرها جنبه تاکتیکی داشتند و در واقع در تعیین سرنوشت شوروی هدف مشترکی را دنبال می کردند.

همه آنها از سرمایه داری حمایت کردند زیرا خدمت گذاران وفادار منافع و موقعیتهای شخصی خود بودند. هجوم سرمایه داری به اتحاد جماهیر شوروی که به رهبری گورباچف آغاز گشت، حاصل رویکرد شخصی او نبوده بلکه، خواست و تلاش لایه ای از رهبری بوروکراتیک این کشور بود که در سالهای ۸۰ به سوی اتحاد با امپریالیسم سوق داده شد و بنیادهای اجتماعی - اقتصادی جامعه را واژگون کرد.

ادعاهای رسانه های بورژوازی برای تجلیل شخصیت از یلتسین تحت عنوان یک "دمکرات" و کسی که به مردم روسیه و اتحاد جماهیر سابق آزادی بخشیده، با حقیقت فاصله زیادی دارد. به هر رویدادی که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نظر اندازیم، همگی حاکی از ماهیت غیر دمکراتیک و مخرب اقدامات یلتسین و اطرافیان او که دشمن منافع توده های زحمتکش این کشور بودند، می باشد.

شخص ترین آنها نیز ایجاد زمینه های تلاشی اتحاد جماهیر شوروی بود که مردم در یک رفراندوم در سال ۱۹۹۱ مخالفت خود را با آن ابراز کرده بودند.

نام یلتسین در صفحات تاریخ به عنوان اولین رییس جمهور روسیه که کشور را تا سرحد نابودی، عقب ماندگی و فساد و تباهی کشاند، ثبت خواهد شد. اینکه غرب و رسانه های متعلق به سرمایه های بزرگ و میلیونرها و میلیاردرهای روسی از او به عنوان دمکرات و "رفرمیست" یاد می کنند، به خاطر ثروت هنگفتی است که با کمک او بالا کشیده اند. در واقع، او نمادی از خیانت و جنایتی است که در طی ۷ دهه از دوران استالین امتداد یافت.

یلتسین که شعار مبارزه با فساد مالی را سر می داد، از خود پرونده پر برگ و سیاهی از فساد باقی گذاشت. اگر چه ولادیمیر پوتین، رییس سابق کا گ ب، در سپاسگزاری از وی به خاطر سپردن قدرت به خود، بر آن سر پوش گذاشت. سرکوب سیستماتیک وجدان و روح عمیق و انسانی مارکسیسم و سوسیالیسم و قرار دادن طبقه زحمتکش و کارگر در برابر اثرات فاجعه بار اقتصادی و اجتماعی هجوم کاپیتالیسم، مهمترین خیانت این کودک بی اراده استالین که به مهندس و مجری فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی معروف است، می باشد.

دیوار

جهانی سازی و آنچه به نام "تجارت آزاد" به ملتها تحمیل شده، درهای عبور یکطرفه را به روی سرمایه داران بزرگ گشوده است اما از سوی دیگر، طی سالهای اخیر، بازار بنای "دیوار" نیز در سراسر جهان بسیار پر رونق بوده است. در حالی که "جهانی سازی" به معنای جهانی است که برای سرمایه داری مرزی قابل نمی شود اما همزمان، بر تعداد و طول و بلندی و ضخامت دیوارها، حصارها، خندقها، هره ها، خاکریزها، ردیابهای متحرک، دوربینهای حرارت سنخ، سیستمهای اشعه ای، ابزار و آلات دیده بانی شبانه، هلیکوپتر و انواع بسیاری دیگر از ابزار کنترل کننده مرزها که مراحل تکمیلی را طی می کند، افزوده می شود.

این انواع متنوع دیوار که میلیونها کیلومتر را پوشش می دهد، بیشتر برای مهاجران بیکار و گرسنه ای که قربانی همان تجارت آزاد هستند کشیده شده تا مانع عبور آنان و یا "تروریستها و قاچاقچیان"، "مهاجمان و دشمنان" باشد.

هنوز فریادهای رونالد ریگان "دروازه را باز کنید، دیوار را ویران کنید!" برای برداشتن دیوار برلین در گوشهها زنگ می زند که تازه ترین دیوارها توسط آمریکا در بغداد به منظور جدا سازی محله های مختلف شهر بنا می شود تا منطقه مسکونی مردم سنی مذهب را از شیعه ها جدا کند. این دیوار که به دست سربازان آمریکایی ساخته شد، نزدیک به ۴ متر بلندی دارد که از قطعه های خاکستری بتونی هر یک به وزن ۶ تن تشکیل می شود و بیش از ۴ کیلو متر طول آن می باشد.

این در حالیکه دیواری که اسرائیل برای جدا سازی اورشلیم از کرانه غربی کشیده، زندگی روزمره مردم را سخت و طاقت فرسا کرده و به شدت مورد اعتراض آنان قرار گرفته است.

در سوی دیگر جهان، پس از انفجارات ۱۱ سپتامبر، آنهایی که ضد مهاجرین هستند، مساله مهاجرت را به امنیت ربط داده اند و با این بهانه، دیوار سازی را به عنوان راه حل رایج کرده اند.

آمریکا در مرزهای مکزیکی از شهر تیخوانا تا سواحل اقیانوس آرام و تپه های کالیفرنیا دیواری ضخیم کشیده است. این دیوار در امتداد خود به حصاری از سیم ریزخاردار به ارتفاع ۵ متر تبدیل می شود تا کسی نتواند فکر فرو بردن انگشت خود برای بالا رفتن از آن را به سر راه دهد. این دیوار حدود ۱۵ کیلومتر دیگر ادامه پیدا می کند.

در حال حاضر ایالات متحده در حال ساختن حصاری دو لایه به طول ۱۰۰۰

بقیه در صفحه ۹

بازی دوسر باخت

جعفر پویه

نزدیکتر است سیر جریانات را مرور خواهیم کرد.

من پس از جنگ حزب الله لبنان و اسرائیل در باره تاثیر آن بر روابط دیپلماتیک منطقه بخصوص جریانات اسلامی تندرو با رژیم نوشتیم^۱ از این به بعد، این ارتباطات کمتر و از سطح ایدئولوژیک به سیاسی تغییر خواهد داد و رژیم ولایت فقیه عنوان پدر خواندگی خود و اتوریته اش بر آنها را از دست خواهد داد^۲. (نبرد خلق شماره ۲۵۴)

اکنون به خوبی می توان این تاثیر را مشاهده کرد. حزب الله لبنان نه تنها به شیوه قدیم همچون جریانی دست آموز رژیم عمل نمی کند بلکه سعی دارد به خود هویتی ملی ببخشد و خود را بخشی از نیروهای مدافع منافع مردم بنامد. در چنین صورتی او تعاریف جدیدی را در اساسنامه خود وارد خواهد کرد که خط کشیهای مشخصی با رژیم جمهوری اسلامی خواهد داشت. حزب الله و شیخ حسن نصرالله اجبارن با پذیرش بخشی از قدرت دولتی در لبنان باید روابط خود با رژیم تهران را دیپلماتیک و شفاف کند. او باید تعاریف جدیدی از منافع ملی لبنان را جایگزین منافع "جهان اسلام" ر که کارگزاران رژیم برای او تعریف کرده بودند، کند. روابطش نیز طبعن از یک رابطه مقلد ولی فقیه و مطیع گوش فرمان به رابطه ای دیپلماتیک تغییر خواهد کرد. بعثت قدرتی که در کشور خود دارد حزب الله خود را صاحب رای و مستقل خواهد نامید و خود را با حامیان جدیدی که پیدا خواهد کرد از زیر اتوریته رژیم در خواهد آورد. در چنین صورتی هر چقدر که حزب الله لبنان به طرف استقلال حرکت کند به همان میزان رژیم جمهوری اسلامی قدرتش را در لبنان از دست خواهد داد. این کار دلیل دیگری نیز خواهد داشت. زیرا در کنفرانس شرم الشيخ مقامات آمریکایی با پادر میانی مصر مذاکراتی را در سطح وزرا با سوریه به پیش بردند. به هر اندازه که آمریکا و سوریه به توافقاتی دست یابند باز به همان اندازه رژیم از سوریه دورتر خواهد شد. بدیهی است که رژیم سوریه منافع ملی و یا حداقل منافع حکومتی فرزند اسد برایش بیش از منافع رژیم جمهوری اسلامی مهم است. بنابراین یکی از راههای حل و فصل مشکلات خود را هم در منطقه و هم در سطح بین المللی در ارتباط بیشتر با آمریکا جستجو می کند. زیرا این مذاکره برای سوریه بسیار مهم است تا آنها بتوانند خود را از زیر بار اتهام محور شرارت آمریکا خلاص

اوضاع در خاورمیانه بسیار شکننده است. آرایش نیروها چندان گرایش به ثبات ندارد. بیم آن می رود که بیش از اکنون ملتهد شود. تحولات یک سال گذشته توازن را در بسیاری از جبهه ها برهم زده است و نیروهای گوناگون موقعیت جدیدی را تجربه می کنند. بطور کلی اینگونه می توان گفت که سیر جریانات به سوی یک جابجایی در حرکت است. این موضوع را می شود از بررسی موضعگیری نیروها و اعمال و حرکت آنها و بیان استراتژیهای تازه ای که بگوش می رسد بخوبی دید.

به همین دلیل دو نیروی بسیار جدی متخصص در صحنه یعنی رژیم جمهوری اسلامی ایران و دولت ایالات متحده آمریکا در تدارک یک فعل و انفعال بسیار تعیین کننده هستند. شنیدن صداهای جدید و تازه از دوسوی این اردو به دلایل مختلف است. یعنی این دو نیرو به دلایل و نگاه مشترک و یا با تحلیلی همسو به یک نتیجه یکسان نرسیده اند. بلکه هر کدام با زاویه ای متفاوت از حریف بازی بسیار پیچیده ای را پیش می برند که به نظر ناظرین به مرحله تعیین تکلیف نزدیک می شود.

آمریکا با پیش گرفتن شیوه منزوی سازی جمهوری اسلامی به هدف نزدیک می شود، اما جمهوری اسلامی با از دست دادن امکانات منطقه ای خود و شکستهای دیپلماتیک در صحنه بین المللی مجبور به عقب نشینی "حداقل موقت" شده است. اکنون که آمریکا جمهوری اسلامی را در گوشه رینگ گیر انداخته است تا کجا می خواهد پیش رود و خواسته هایش را چگونه عملی خواهد کرد؟ و آیا جمهوری اسلامی ظرفیت پذیرش این خواسته ها را دارد و یا باز در وسط بازی به برهم زدن میز خواهد پرداخت و با حاشا کردن تعهداتش باز به نقطه صفر بازگشت خواهد کرد؟

تا کنون که در مذاکرات با طرفهای متفاوت و به طور مشخص گفتگو با کشورهای اروپایی و ۱+۵ این سیاست را پیشه کرده است و همه بافته های کهنه کارهای علم سیاست اروپایی را پنبه و آنها را دست خالی به خانه فرستاده است. آیا جمهوری اسلامی در برابر آمریکا نیز قادر به انجام چنین بازیهایی خواهد بود؟ یا دستش در زیر سنگ گیر خواهد کرد و با چهار میخه شدن در تله دیپلماسی آمریکا گرفتار خواهد شد؟ کدام احتمال به واقعیت

کنند. پر واضح است که یکی از دلایلی که آمریکاییها را راغب به مذاکره با سوریه می کند منزوی سازی رژیم جمهوری اسلامی است. می توان این گونه گفت که آمریکاییها از سوریه خواهند خواست که روابط خود با تهران را به حداقل کاهش دهد و پل ارتباطی او با لبنان که از طریق سوریه ممکن می شود را مسدود کنند. این چشم انداز یکی از دلایلی است که حزب الله را وامی دارد پیش از این که در محاصره قرار گیرد به عادی سازی روابط خود با پیرامونش بپردازد. تعریف و تمجید رهبران حزب الله از اسرائیل برای برکناری مسیبان جنگ با حزب الله به دلیل بی کفایتی را میتوان در زمره این عادی سازی شمرد.

موقعیت بسیار بدی که این چشم انداز برای رژیم جمهوری اسلامی ترسیم می کند به اندازه ای است که احمدی نژاد پیشنهاد می دهد که در صورت پذیرش مصر حاضر است یک روزه رابطه دولت خود را با مصر، به طور کامل عادی سازی کند. هرچند این موضع با مخالفتهایی در داخل روبرو شد اما هیچ تاثیری بر دایره محاصره رژیم که هر روز تنگتر می شود نخواهد گذاشت. این شتابزدگی نه تنها دلیل خامی احمدی نژاد نیست بلکه گواهی است بر وضعیت رو به وخامت رژیم ولایت فقیه، زیرا اگر سیر حوادث به همین شکل پیش رود و آنها نتوانند تأثیری بر آن بگذارند کار به جایی خواهد رسید که علی بماند و حوضش. مجلس عالی انقلاب اسلامی عراق که توسط رژیم جمهوری اسلامی برای صدور انقلاب اسلامی به عراق ساخته شده است طی بیانیه ای کلمه انقلاب را از اسم خود حذف کرد. این حذف به مثابه گامی در جهت فاصله گرفتن از پدرخوانده سابق خود برآورد می شود. زیرا رژیم جمهوری اسلامی رسالت خود و نیروهای دست سازش را نه بدست آوردن قدرت در یک کشور بلکه برپایی حکومت جهانی اسلامی می داند. در حداقل می شود او را خواهان برقراری یک خلافت اسلامی به شیوه قرنهای گذشته که اسلام قدرتی پهناور بود دانست. در چنین صورتی نه تنها قدرتهای محدود در یک کشور آنها را قانع نخواهد کرد بلکه سعی و کوشش برای گسترش این قدرت تا جایی که مقدور است رسالت آنها خواهد بود. حال که مجلس اعلا با انقلاب خدا حافظی می کند باید در تئوری به نتیجه هایی رسیده باشد که آنرا بدین صورت بیان می کند. یعنی تغییراتی را در استراتژی خود منظور داشته است. این نظریات هرآنچه که باشد یا همین گفته رهبران آن که می گویند با سرنگونی صدام و بدست آوردن بخشی از قدرت دیگر کلمه انقلاب در اسم آن ضروری نیست، یعنی که انقلاب بوقوع پیوسته و بخشی از رسالت مجلس اعلا

توسط ارتش آمریکا انجام یافته است. این پذیرش می تواند به مثابه یک گام به جانی باشد که در آینده امکان این که کسانی در مجلس اعلا با دست آویز کردن آن راهی دیگر را در پیش بگیرند را از هم اکنون مسدود می کند. هرچند عناصر تند رو موجود در بدنه آن مشکل این مسئله را می پذیرند، اما حذف رسالت انقلاب از مجلس اعلا اعضا آن را به مسیری می برد که امکان سو استفاده پدر خوانده سابق با به رخ کشیدن رسالت انقلابی آن وجود نداشته باشد. یعنی تبدیل شدن مجلس اعلا از نیرویی که رسالت انقلابی دارد به نیرویی که رسالت آن برآورده شده است، پروسه ای است که آغاز شده است. حالا دیگر او باید به تثبیت موقعیت خود بپردازد تا انجام رادیکالیسمی که دیگران در خارج از مرزها از آن توقع دارند. این گامها با تشویق آمریکایی ها در داخل جریاناتی مشابه مجلس اعلا برداشته می شود و آغازی است برای جدایی آنها از پدر خواندهای معنوی سابق و دست یافتن به استقلال در تئوری و عمل برای مشارکت در قدرتی دولتی در عراق و هم سنگ ساختن آنان با رژیم جمهوری اسلامی. این روند با حمایت دیگر کشورهای عربی که نوعی ترس از هلال شیعی را در دل دارند نیز همراه خواهد شد. آنان مشتاق پذیرش این جریانات با شکل و شمایل جدید هستند و اشاره آمریکا را برای پذیرش این نیروها نیز مد نظر دارند.

رد کردن شعار بنیادین خمینی درباره اسرائیل و تکرار آن توسط احمدی نژاد بوسیله متکی در کنفرانس سران کشورهای عربی نیز از همین دست است. متکی که گفته خمینی و احمدی نژاد را از تخیل یک بچه دبستانی پائین تر دانست، بکلی منکر شعار نابودی اسرائیل و پاک کردن آن از نقشه جغرافیا از سوی رژیمش شد و آنرا بدفهمی دانست. در حالیکه شعار "راه قدس از کربلا می گذرد" و "اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود" هنوز توسط بسیاری در رژیم جمهوری اسلامی تکرار می شود. هرچند متکی بعدن به حاشا پرداخت و گفته خود را که توسط دوربین های بسیاری ضبط شد را منکر شد. اما باید گفت که این بهم ریختگی در بین سیاستمداران رژیم دلیل دیگری دارد و آنست که پایوران رژیم جمهوری اسلامی را به پریشان گویی انداخته است.

که دلیل به مشام رسیدن همین بو است که ناگهان افغانهای مقیم ایران مورد یورش قرار می گیرند و با عجله بی حساب و کتاب اقدام به اخراج آنها می کنند. بیرون ریختن انسانهای بی آزاری که سالهاست در ایران ماوا گرفته اند و بقیه در صفحه ۸

بازی دوسر باخت

بقیه از صفحه ۸

با حداقل دستمزد کارهای بسیار سخت و زیان آور را متقبل می شوند. غیر انسانی ترین عملی است که رژیم جمهوری اسلامی در مقابل این مردم انجام می دهد. بیرون راندن افغانها به دلیل آماده شدن برای شرایطی است که رژیم حدس می زند هر آن ممکن است بوقوع بپیوندد. عراق تنها محل تاخت و تاز نیروهای وابسته به رژیم جمهوری اسلامی نیست. بلکه افغانستان نیز شرایط تقریباً مشابه را به چشم می کشد. در اینباره هم آمریکاییها در نشست بغداد از رژیم توضیح خواهند خواست. به همین دلیل از قبیل اخراج افغانها را شروع کرده است تا به این شیوه دولت دست نشانده افغانستان را تحت فشار قرار دهد.

به موازات همین پریشانیها و تعجیل در عمل و دستپاچگی ها می شود آزار و اذیت زنان و جوانان در شهرها را در همین راستا ارزیابی کرد. فشار به دانشجویان و سعی در منکوب کردن آنان نیز نشانی از به رخ کشیدن نیروهای سرکوبگر برای جلوگیری از هر نوع اعتراضی است. برپایی مراسم کتک زنی کسانی بنام مقابله با اوباش در محله های مختلف شهر، عربان کردن خشونت حکومتی و برهنه کردن چماق های پنهان در آستین است. این گونه رژیم در داخل به زهر چشم گیری پرداخته است و با کوله باری که نشانی از پیش دستی در آن نیست مذاکره با آمریکا را می پذیرد.

شکست کامل دیپلماسی هسته ای برای جلوگیری از صدور قطنامه های سازمان ملل و ناتوان از حداقل مانورهای دیپلماتیک برای چانه زنی و یا گفتگو دلیل دیگری برای این ناچاری است. گفتگوی لاریجانی و سولانا بجای باز کردن چشم اندازی برای یک دیپلماسی دندانگیر، انچنان دلسردی ای بیار آورده است که دو طرف هیچ تمایلی به ادامه کار به این شیوه ندارند. در چشم انداز برای دو طرف کور سویی نیست و دیپلماسی آهسته اما حساب شده آمریکا یکی پس از دیگری قدرت خود را بر سیاست بگیر و ول کن رژیم اعمال می کند.

اما این گونه نیست که این تنها رژیم جمهوری اسلامی است که به مذاکره با آمریکا حداقل در مورد عراق راغب شده است. زیرا دولت آمریکا نیز به دلایلی هرچند غیر مشابه به این گفتگو نیاز دارد.

رژیم جمهوری اسلامی که تعریف ایدئولوژیک شیطان بزرگ از آمریکا را دارد دور میزی می نشیند که طرف دیگر او را یکی از محورهای شرارت می نامد. آیا جمهوری اسلامی در

تعریف خود تجدید نظر کرده است که حاضر به گفتگو می باشد؟ هرچند مدتی است که پایوران رژیم جمهوری اسلامی بجای شیطان بزرگ از صفت مستکبر برای دولت آمریکا استفاده می کنند، اما هیچگونه نشانه ای از تجدید نظر آمریکا در محور شرارت دیده نمی شود و این تئوری بوش و نئوکاها هنوز به قوت خود باقی است.

اما فشارهای بسیار زیادی که از جوانب مختلف به دولت بوش وارد می شود و را وادار می کند که حداقل برای یکبار هم که شده گفتگویی حداقل را برگزار کند. کمیته بیکر - هامیلتون پیشنهاد این گفتگو را داد. اما بوش با قدرت آن را رد کرد. درگیری در عراق هر روز تعدادی را به کام مرگ می کشد و بسیاری دولت آمریکا را به دلیل عدم گفتگو با همسایه های عراق به ویژه دولت ایران برای قطع کردن دخالتهای آن سرزنش می کنند. مقالات بسیاری در نشریات آمریکایی در این باب منتشر می شود و بعضی از سیاستمداران نیز آنرا پیشنهاد می کنند. هم پیمانان آمریکا در منطقه به دلیل عدم گفتگو و حداقل یک هشدار جدی به رژیم جمهوری اسلامی برای دخالتهایش در عراق از آمریکا ناراحت هستند. آنها اینکار را نوعی باز گذاشتن دست رژیم در عراق می دانند. و توقع موضع قاطع تری از جانب آمریکا دارند.

از جانب دیگر حالا که بعضی از گفتگوهای آمریکایی ها با کشورهای منطقه به حداقل هایی رسیده است. آمریکا ترجیح می دهد در چنین موقعیتی رژیم جمهوری اسلامی را در برابر یک آزمایش بسیار تعیین کننده قرار دهد. سخنان دیگ چنی بر فراز ناو آمریکایی در خلیج فارس رو به تهران گویای بسیاری از مواضع آمریکایی هاست. در همین سفر دیگ چنی به امارات متحده عربی، عراق، مصر و عربستان نیز سر زد. آگاهان سفر او را برای آماده سازی یک فعل و انفعال جدی در منطقه برآورد می کنند. حال در یک چنین وضعیتی علی خامنه ای ولی فقیه رژیم می گوید که تصمیم دارد تا در بغداد وظیفه آمریکاییها را به آنها گوشزد کند. چه کسی این گفته را باور می کند؟ علی خامنه ای باید شنونده باشد یا گوینده؟

آمریکا برای دخالتهای رژیم در عراق و به دلیل این که او را باعث و بانی بسیاری از درگیریها و بی ثباتیها در عراق می داند او را به پای میز گفتگو کشانده است. آمریکا تعدادی از افراد سیاه پاسداران را نیز دستگیر کرده و اعلام کرده است که اسناد بسیاری از دخالتهای رژیم در زد و خوردهای عراق در دست دارد. اسلحه، بمب های کنار جاده، مواد منفجره و ... ساخت ایران را تا کنون چندین بار در تلویزیون نمایش داده است و اکنون نیز بر سر میز گفتگو آنها را ارائه خواهد داد. در برابر این

اسناد غیر قابل انکار رژیم جمهوری اسلامی چه کار خواهد کرد؟ از هم اکنون می شود حدس زد که این مذاکره و یا گفتگو به نتیجه چشم گیری منجر نخواهد شد. اما به عنوان یک احتمال می شود هر دو وضعیت یعنی شکست یا موفقیت را بعنوان دو فرض در نظر گرفت. هر چند موفقیت و شکست از منظر هر طرف با یکدیگر صدوهشتاد درجه تفاوت ماهوی دارد و شکست هر طرف پیروزی طرف مقابل قلمداد خواهد شد. در چنین صورتی رسیدن به توافقی که منافع دو طرف را منظور کند بسیار کم و اندک خواهد بود.

اما از هم اکنون می شود گفت که پذیرفتن رژیم به حضور در این گفتگو به معنای پذیرش دخالت او در مسائل داخلی عراق است. با این کار می پذیرد که در امور داخلی کشوری دیگر یعنی عراق دخالت می کند و این برخلاف تمام موازین بین المللی است. در چنین حالتی اولین کسانی که باید علیه او موضع بگیرند دولت کنونی عراق است که خود را مستقل می خواند. در صورت عدم یک موضعگیری صریح آنها به تباری با رژیم تهران متهم می شوند و ممکن است برای آنها بسیار گران تمام شود.

در صورت نپذیرفتن رژیم مبنی بر عدم دخالت در امور کشور عراق، او باعث و بانی نا آرامی ها در عراق معرفی خواهد شد و ایتیار نه بر مبنای حدس و گمان و یا متهم کردن طرفین به این موضوع، بلکه بر اساس گفتگویی که بر سر میز مذاکره رد و بدل شده است مستدل می شود. همین موضوع می تواند به سازمان ملل ارجاع داده شود و خود مبنای اگر نه قطعنامه بلکه هشدار جدی به رژیم خواهد شد. یعنی دیگر نمی تواند دخالتش در عراق را یک اتهام بنامد زیرا بر سر عدم مداخله مورد اعتراض حقوقی واقع شده و نپذیرفته که دخالت نکند.

در پایان به هر دلیلی که رژیم جمهوری اسلامی این گفتگو را پذیرفته باشد، نخواهد توانست از دام چاله ای که آمریکایی ها برایش تدارک دیده اند بجهد. مگر معجزه ای رخ دهد که عصر آن دیری است به سرآمده است. زیرا در همه احتمالات این آمریکاییها هستند که دست بالا را دارند. اتفاقات پیش بینی نشده را نمی شود انکار کرد، در چنین صورتی برای رژیم جمهوری اسلامی معجزه ای رخ داده است. پس از هم اکنون باید دست به دعا بردارد.

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۷

کیلومتر است که دیوار جدا سازی از مکزیک را تکمیل می کند.

واضح است که وجود این دیوارها جان مهاجران را در معرض خطر قرار داده است. برای نمونه، دستکم ۹ نفر در هفته جان خود را در تلاش برای عبور از آن از دست می دهند.

با این که جلوگیری از مهاجرت و حفظ امنیت، رایج ترین دلایل مطرح شده برای این امر محسوب می شود، جنبه های مهم سیاسی آن را نباید فراموش کرد. برای نمونه یکی از طولانی ترین دیوارهای عصر معاصر دیواری است که مراکش در سال ۱۹۸۰ ساخت تا از خاک خود محافظت کند. این دیوار تحت مراقبت هزاران سرباز مراکشی قرار دارد.

کشورهای عربی نیز که به دیوار بین اورشلیم و کرانه غربی اعتراض می کنند، خود به ساختن دیوار دست زده اند. عربستان سعودی در اقدامی اعلام نشده، به ساختن حصار با تجهیزات مدرن که به دستگاه های و دوربینهای دید شبانه و غیره مجهز خواهد بود اقدام کرده است. این دیوار که به منظور جداسازی مرز این کشور با عراق احداث شده است، نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر امتداد خواهد یافت. بنا به گفته پیمانکاران وزارت دفاع آمریکا، پروژه مزبور میلیاردها دلار هزینه در بر خواهد داشت.

دیوار قابل اشاره دیگر، دیواری ست که کویت در مرزهای خود با عراق کشیده است. این دیوار شامل حصار الکتریکی، هره خاک ریز و چاله یا خندق به عمق ۲ متر در مسیر ۲۱۷ کیلومتری است که از طریق هوایی نیز تحت محافظت دائمی قرار دارد.

در شرق شبه جزیره عربستان، پروژه های وسیعی در راه هستند که هرگونه رفت و آمد بین هند و پاکستان، هند و بنگلادش و پاکستان و افغانستان را کنترل خواهند کرد.

پاکستان نیز با فشار آمریکا اقدام به ساختن حصار ۲۵۰۰ کیلومتری کرده که از ورود تفنگچیان طالبان جلوگیری کند. در اروپا، اسپانیا سیم خاردار دو لایه ای به بلندی ۲-۳ متر کشیده تا مانع از ورود مهاجران شود. مهاجران آفریقایی به ناچار راه های مشکلتزنی را برای عبور انتخاب می کنند که تاکنون به غرق شدن صدها تن از آنان انجامیده است.

دیوارها مظهر و نمادی از بحرانهایی هستند که سرمایه داری و سیاستهای امپریالیستی در جهان ایجاد کرده است و برای گریز از این بحران، راه حل دیوار که در نهایت مانند دیوار بزرگ چین بی فایده خواهد بود را یافته است.

جهانی سازی سرمایه، جنگ و کودکان

الف. آناهیتا

جهانی شدن پروسه ای است که در طی آن مرز بین کشورها کاهش می یابد و مشوق نزدیکی هر چه بیشتر فعل و انفعالات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ملت‌هاست. در این پروسه اشتراک در دانش و فواید نیروی کار انسانی در سراسر جهان افزایش یافته و بدین ترتیب هر ملتی در هر جای کره خاکی می تواند استاندارد زندگی خود را پیشرفت دهد. اما با وجود پدیده «جهانی سازی سرمایه» که در حقیقت به معنای جهانی کردن منافع شرکت‌های فراملی است، چنین مساله ای روی نداده است. اصلی ترین نیروی محرکه اقتصاد جهانی انباشتگی ثروت است که با رقابت سرمایه و استثمار هر چه بیشتر نیروی کار در جهان، ارتباط دارد. این چنین است که قدرتهای بزرگ و شرکت‌های فراملی مصمم هستند تا ثروت جهان را طی روند جهانی سازی سرمایه بیش از پیش در دست خود انباشت کرده و سرمایه داری نولیبرال را جهانی سازند. گسترش فقر و تعمیق اختلاف طبقاتی، عدم امنیت شغلی و اجتماعی، تشدید استثمار کارگران، بیکاری، افزایش نقش شرکت‌های فراملی و مدیریت غیردموکراتیک آنان در فعالیتهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، کاهش روزافزون امکانات رفاهی همگانی از جمله بهداشتی و آموزشی، جنگ و تخریب محیط زیست ... بازتاب روشن این پدیده در زندگی انسانهاست که بیش از همه موقعیت زحمتکشان جهان را متاثر ساخته است. طبقه ای که با اعمال مجدد سیاستهای نولیبرالیسم اقتصادی مجبور است نیروی کار خود را در بازار آزاد و بدون نظارت در معرض رقابتی بی رحمانه قرار دهد تا شاید بتواند لقمه نانی به چنگ آورد. تاثیر روند جهانی سازی سرمایه بر کودکان طبقه کارگر و زحمتکش بی گمان بسیار مخرب است. اگر چه کودکان به عنوان نسل آینده، آفرینندگان فردای هر جامعه ای هستند. اما از آنان در جهان امروز می توان به عنوان قربانیان نامحسوس روند جهانی سازی سرمایه و پیامدهای آن نام برد.

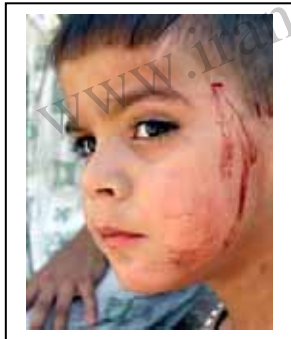
کاهش دایمی حقوق زحمتکشان همراه با انحصاری کردن و گسترش تصاحب ثروت‌های ملی توسط شرکت‌های بزرگ در راستای سیاست نولیبرالیسم اقتصادی باعث شده که بخش عظیمی از کودکان به خصوص در کشورهای فقیر از ابتدایی ترین حقوق خود بی بهره گردند. خصوصی کردن امکانات آموزش و بهداشتی نه تنها بهره بردن از ابتدایی ترین حقوق انسانی را از آنان گرفته است، نه تنها آنان را با سو تغذیه

نیروی کار کودکان و زنان، انجام می دهند.

به طور کلی روند جهانی سازی سرمایه، معضل «کودکان کار خانگی» را با تشدید فقر و تعمیق اختلاف طبقاتی همراه با خصوصی سازی امکانات آموزشی که ترک تحصیل آنان را فراهم می سازد، افزایش می دهد.

به گزارش کودکان کارگر در آسیا مورخ ماه آوریل ۲۰۰۴، یک و دو میلیون کودک در بنگلادش، یک و نیم میلیون در اندونزی، یک میلیون در فیلیپین، شصت و دو هزار در نپال و دست کم صد هزار کودک در سری لانکا مشغول به کار خانگی هستند. این دستان کوچک که به دلیل کار طاقت فرسا بسیار زود فرسوده می شوند معمولاً از منظر اجتماع پنهان می مانند. بسیاری از آنان مورد آزار و اذیت‌های لفظی، جنسی و فیزیکی و به دلیل سن کم و جسم کوچک به راحتی تحت کنترل کامل کارفرمایان قرار می گیرند.

کودکان آسیب پذیرترین گروه در رابطه با انحصاری کردن «آب» هستند. در همین رابطه، مصرف کنندگان آب در جمهوری سندیج با گرفتن امتیاز آب این منطقه توسط آنجلیان واتر متعلق به سرمایه گذاران انگلیسی با صد برابر افزایش نرخ بین سالهای ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷ و سپس چهل درصد اضافه نرخ در سال ۱۹۹۹ مواجه شدند.



در ماه آگوست سال ۲۰۰۱، تنظیم کننده آب عمومی مانیلا، پایتخت فیلیپین بعد از نزاع‌های شدید بین شرکت‌های فراملی توسط شرکت‌های فرانسوی و آمریکایی خریداری شد. نه تنها سرویس آب رسانی از بیست و چهار ساعت در روز تقلیل یافت. بلکه نرخ آب برای مصرف کنندگان پنجاه درصد افزایش یافت. بسیاری از خانواده های فقیر قادر به پرداخت پول نبودند و مجبور به استفاده از آبهای آلوده گشتند. فقر مالی و انحصاری کردن آب باعث شد تا بسیاری از کودکان از آبهای آلوده استفاده کنند و با بیماری های عفونی مبتلا گردند.

ناگفته نماند که بر اساس یک توطئه مهیج که با تصمیم سازمان ملل و تحت فشار شرکت‌های فراملی و سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۱ پایه ریزی شد، بجای تعریف اصلی از

آب که یکی از اولین احتیاجات انسان که همه انسان ها حق دارند به طور برابر از آن بهره ببرند، این ماده حیاتی به عنوان منبعی که می تواند برای سود آوری شرکت‌های خصوصی خرید و فروش شود، معرفی شد.

حمله به وضعیت معیشتی زحمتکشان، تنزل فزاینده دستمزد ها و تشدید بحران بیکاری در کشورهای پیرامونی باعث می شود که آنان برای دستیابی به کار و زندگی بهتر اقدام به مهاجرت کنند. در این رابطه بسیاری از پسران و دختران زیر سن هیجده سال به چنگ مافیای جهانی سکس می افتند و مورد بهره کشی جنسی قرار می گیرند. بسیاری در طول این مدت دچار بیماری های روحی و عصبی شدید می شوند و دست به خودکشی می زنند.

نظامی کردن جهان به عنوان ابزار دیگری به ویژه در سالهای گذشته از طرف قدرتهای بزرگ جهت کنترل هر چه بیشتر جهان و تسریع روند جهانی سازی سرمایه اعمال شده است. «جنگ» قربانیان کوچک خود را هرگز فراموش نمی کند اگرچه بدون شک به ثروت صاحبان بزرگ سرمایه می افزاید.

بیش از سیصد هزار عراقی در حمله نظامی چهل و سه روزه سال ۱۹۹۱ کشته شدند. پس از آن بیش از یک میلیون نفر که بیشتر آنان کودک بودند به دلیل محاصره این کشور توسط نیروهای آمریکایی جان خود را از دست دادند. بر اساس گزارش سازمان ملل در سال ۱۹۹۵، چهار میلیون نفر از مردم عراق، یعنی یک پنجم آن از گرسنگی تا مرز مرگ رنج می برند. بیش از نود و پنج درصد از زنان باردار عراقی به کم خونی مبتلا هستند. بنابراین نوزادانی ضعیف و دچار سوء تغذیه به دنیا خواهند آورد. بسیاری از این نوزادان قبل از رسیدن به سن پنج سالگی بدلیل نبود مواد غذایی و داروهای حیاتی یا جان خود را از دست می دهند یا برای همیشه از بیماری های روانی یا فیزیکی رنج خواهند برد. بسیاری از مادران بدلیل ضعف جسمی شیری ندارند تا نوزادان خود را تغذیه کنند و آنها را برای جان سپردن به بیمارستان می سپارند. بر اساس گزارش یونیسف سال ۱۹۹۶، بیش از چهار هزار و پانصد کودک زیر سن پنج سال از گرسنگی جان می دهند. این گزارش در رابطه با یک نسل کشی تمام عیار در عراق هشدار می دهد.

بیش از دو میلیون کودک از گرسنگی در حال مرگ هستند و بیش از یک بقیه در صفحه ۱۱

جهانی سازی سرمایه، جنگ و کودکان

دفاع ناشیانه و بی هنگام خاتمی از سرکوب زنان

بقیه از صفحه ۹

میلیون و پانصد هزار یتیم کمک خواستار حمایتند. به گزارش بی بی سی مورخ سی مارچ ۲۰۰۵، نسبت کودکان زیر پنج سال که از سوتغذیه رنج می برند پس از تعرض نیروهای ائتلاف تقریباً دو برابر شده است.

شانس مرگ کودک عراقی قبل از رسیدن به سن پنج سالگی به دلیل درگیریهای نظامی و یا بیماری بعد از سال ۱۹۹۰ به گزارش خبرگزاری اوربیت مورخ هشت می امسال، بیشتر از هر کشور دیگری رشد کرده است. اکنون این میزان بعد از سال ۱۹۹۰، صد و پنجاه درصد افزایش یافته است. این در حالیست که نرخ مرگ و میر کودکان در عراق از ۱۷۱ نفر در هر هزار نفر از سال ۱۹۶۰ به ۵۰ نفر در مقابل هر هزار نفر در سال ۱۹۹۰ کاهش پیدا کرده بود. این میزان پایین تر از حد متوسط آن در خاورمیانه و آفریقای شمالی برابر با ۸۰ نفر برای هر هزار نفر، بود. علاوه بر این میزان مرگ و میر کودکان در عراق بر اساس آمارهای یونسف دو برابر بهتر از کشورهای در حال توسعه که به طور متوسط ۱۳۰ کودک در هر هزار نفر است، بود.

بیماری سرطان به ویژه لوکیمیا، هوجکین (یک نوع بیماری خون)، سرطان سیستم لنفاوی و اختلالات مادرزادی به دلیل استفاده از تجهیزات جنگی اورانیم تعلیق یافته، به صورت قابل توجهی افزایش یافته است.

هزار مرکز بهداشتی در سال ۱۹۹۱ در سراسر عراق وجود داشت که بعد از گذشت بیش از یک دهه تقریباً به نصف رسیده است. نا گفته نماند که عراق در دهه ۱۹۸۰ دارای یکی از بهترین سیستمهای بهداشتی در منطقه بود. اما اکنون با توجه به مهاجرت روزافزون پزشکان و عدم وجود امکانات و تجهیزات پزشکی بسیاری از مراکز بهداشتی موجود قادر به نجات جان کودکان و افراد مجروح و بیمار نیستند.

یونسف در بیست آوریل امسال اعلام کرد: یک میلیون کودک عراقی در نتیجه جنگ، بی نظمی و پایین آمدن میزان مصونیت هیچ دفاعی در مقابل بیماری سرخک ندارند.

نماینده سازمان بهداشت جهانی در همین تاریخ ابراز داشت که عدم وجود امنیت، خطر گسترش بیماری مسری سرخک را افزایش داده است و زندگی بیش از ده درصد از کودکان مبتلا شده به این بیماری را تهدید می کند. همه کودکان حتی



روزانه در عراق رخ می دهد، شرکت دارد.

سران رژیم همراه با نیروهای مخوف امنیتی اش نه تنها به سرکوب مردم در داخل می پردازد بلکه دستانشان به خون ملت، کودکان عراقی، اعضا و سازمانهای مستقل، مترقی و سکولار عراقی و همچنین اعضای سازمان های غیردولتی که برای انجام اعمال خیرخواهانه همچون کمک به کودکان و زنان عراقی وارد این کشور می شوند نیز، آلوده است. زیرا تشدید بحران در منطقه همیشه به نفع ساختار منفور استبدادی اش بوده و هست.

امروزه پیوند گسست ناپذیری با امر مبارزه علیه جهانی سازی سرمایه، جنگ و معضلات آن به ویژه در خاورمیانه با مبارزه علیه سیاست های رژیم استبدادی ولایت فقیه بوجود آمده است. در همین راستاست که می بایست خط خود را از گروهها و رژیم بنیادگرایی حاکم بر تهران و جنبش های شوونیستی که ظاهراً با جهانی سازی سرمایه مخالف می کنند اما عملاً در خدمت آن قرار می گیرند، جدا کرد.

جهانی سازی سرمایه و جنگ شرایط و جان نسل آینده بشریت «کودکان» را به مخاطره انداخت است. در سپتامبر سال ۱۹۹۸، زمانیکه از مادالین البرایت سوال شد: آیا مرگ پانصد هزار کودک عراقی جایز و قابل توجیه بود؟

او پاسخ داد: من فکر می کنم انتخاب بسیار مشکلی بود. اما ما فکر می کنیم ارزشش را داشت!!

این پاسخ از سوی مدعیان و طرفداران جهانی سازی سرمایه تحت فریبکاری ایجاد فرصت های برابر به ما داده می شود.

و اما پاسخ چیست؟! آیا گمان می کنید، تضاد آشتی ناپذیر و دایمی میان کار اجتماعی و سرمایه خصوصی در تاریخ هرگز اجازه خواهد داد تمام فعل و انفعالات جهان در اختیار سرمایه قرار بگیرد؟!

اگر قبلاً نیز واکسن زده اند می بایست دوباره واکسینه شوند. این گزارش اضافه می کند که بر اثر جنگهای سنگین در عراق رساندن واکسن به کودکان کار ساده ای نیست. یونسف نیز اعلان کرده است که به بیست میلیون دلار کمک های بشردوستانه برای انجام این عمل نیاز دارد که تا کنون فقط یازده درصد آن دریافت شده است.

با اینکه عراق قادر است از دو منبع آب طبیعی دجله و فرات بهره ببرد، اما کودکان عراقی از نبود آب آشامیدنی سالم رنج می برند. مردم عراق حتی قبل از شروع حمله در سال ۲۰۰۳ با لوله های شکسته و سیستم معیوب آبرسانی دست و پنجه نرم می کردند. اما بعد از آن مشکل آب چندین برابر شده است. بسیاری از تاسیسات حیاتی آب آشامیدنی در طی جنگ و با بعد از آن توسط اخلاگران و چپاولگران بنیادگرا ویران گشته است. بیماری اسهال یکی از پیامدهای عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم برای کودکان است که آنان را با مرگ در عراق روبرو ساخته است.

قتل ناموسی با اوج گیری اختلافات مذهبی و فرقه ای برآیند جنگ در راستای جهانی سازی سرمایه را، تشدید کرده است. چندی پیش نمایش صحنه بسیار دردناک به قتل رساندن دعا خلیل اسود، دختر بچه هفده ساله عراقی متعلق به فرقه یزیدی توسط خویشاوندان خود با حضور ماموران دولت از طریق اینترنت، گوشه ای از این فاجعه را نمایان ساخت.

آشوبگری نیروهای بنیادگرا و به خصوص دخالت رژیم حاکم بر تهران در مسایل عراق وضعیت کنونی را بیش از پیش برای ملت و کودکان عراقی بغرنج تر کرده است.

نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه به جنگ علیه کشور عراق به نیروهای اشغالگر باری رساند. و پس از آن برای پیاده کردن مقاصد ارتجاعی خود در منطقه و طلب سهم در پروسه جهانی سرمایه در یک زورآزمایی در بسیاری از بمبگذاری ها و خرابکاری هایی که

منصور امان

رهبر اصلاح طلبان جمهوری اسلامی، حجت الاسلام خاتمی که با وجود پایان یافتن دوره هشت ساله ریاست جمهوری خود، به طور افتخاری همچنان در نقش "ویتترین نظام" به انجام وظیفه مشغول است، در جدیدترین سفر خارجی خویش در برابر شنوندگان ایتالیایی اش، به ستایش از شرایطی که رژیم مآلها برای زنان فراهم آورده، برخاسته است.

هر گاه وارونه نمایی خاتمی از موقعیت واقعی کشور و شهروندان آن با موج تازه سرکوب و آزار خیابانی زنان همزمان نمی افتاد، پرداختن به ادعاهای معمول وی که بیشتر در طبقه بندی تبلیغات ارزان فرنگی جا می گیرد، ضرورتی نمی یافت. یقه درانی حجت الاسلام برای "نظام" و دستاوردهای آن در زمینه "پیشرفت بزرگ زنان" در دانشگاه اودینه، می تواند برای یادآوری رویکرد کلاهدرارانه اصلاح طلبان حکومتی در برابر مخاطبان داخلی و خارجی خود، فرصت خوبی باشد. این امر به ویژه در شرایطی که باند متنوع آقای خاتمی برای پاک کردن اشک تمساحی که به خاطر سرکوب زنان، مصلحان، دانشجویان و کارگران می ریزد با کمبود مفرط دستمال روبرو است، اهمیت خود را توضیح می دهد.

سلف آقای احمدی نژاد در بخشی از تلاش خود برای بزرگ "نظام" در ایتالیا، گردن فرازانه به اطلاع رساننده است که: "اوضاع زنان در ایران بهتر از زنان عراقی است."

مقایسه شرایط زنان ایران با موقعیتی که زنان در یک کشور تحت اشغال و فرو رفته در بدوی ترین نوع جنگهای داخلی با آن روبرو هستند، بازگوکننده معیارهایی است که مبلغ "جامعه مدنی اسلامی" با آن موقعیت مطلوب زنان را اندازه می گیرد و آرزو می کند. اما حتی در این میدان بی افتخار هم حجت الاسلام خاتمی گاهی ناچار است پای پیاده از پی الاغ لنگ استدلال خود روانه شود. چه، اگر او دقت کرده باشد، در همان حال که کوشندگان کمپین غیردولتی "یک میلیون امضا" به جرم اقدام علیه امنیت ملی در زندانهای جمهوری اسلامی "پیشرفتهای بزرگ" را تجربه می کنند، یک تشکل غیر دولتی در عراق به نام "بس است!" با هدف مبارزه علیه خشونت‌های فرقه ای و مذهبی علیه زنان در این کشور، به طور رسمی و قانونی اعلام موجودیت و فعالیت خود را آغاز کرده است.

آقای خاتمی این شاهکار را نیز می تواند به مجموعه افتخاراتی که برای "نظام" کسب کرده اضافه کند که یکی از کج ترین تیرهایی که جمهوری اسلامی در دفاع و توجیه سرکوب زنان در ترکش داشته را در یکی از نامناسب ترین زمانها برای این کار، شلیک کرده است.

۲۵ اردیبهشت

رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

کتاب

بیماری علی اشرف درویشیان، نویسنده "صمد جاودانه شد"



علی اشرف درویشیان، نویسنده معاصر و عضو کانون نویسندگان ایران، به علت سکنه مغزی در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان ایران مهر تهران بستری شد. علی اشرف درویشیان که یکی از قدیمی‌ترین اعضای کانون نویسندگان ایران است، در سال ۲۰۰۶ جایزه "هلن همت" سازمان دیده بان حقوق بشر را به خود اختصاص داد. این جایزه به نویسندگانی تعلق می‌گیرد که در رژیم‌های مختلف، آثارشان سانسور و خود مورد سرکوب واقع شده‌اند.

اولین نوشته آقای درویشیان به نام "صمد جاودانه شد"، در سال ۱۳۴۹ در مجله "جهان نو" و بعد به صورت کتاب به چاپ رسید.

سازمان چریک‌های فدای خلق ایران آرزو می‌کند که علی اشرف درویشیان هر چه زودتر بهبودی خود را بازابد.

فیلم

تقدیر از الکساندر کلوگه در جشنواره ونیز

الکساندر کلوگه، فیلمساز آلمانی که از او به عنوان پدر جنبش موج نو سینمای آلمان در دهه ۱۹۶۰ یاد می‌شود، در شصت و چهارمین جشنواره فیلم ونیز مورد تقدیر قرار می‌گیرد.

مارکو مولر، رییس جشنواره ونیز از کلوگه که بیش از هر فیلمساز دیگری از این جشنواره جایزه گرفته، به عنوان "یک فرد پیشرو و خستگی ناپذیر با راهها و ابتکارهای جدید" یاد کرد. کلوگه که دستیار فریتس لانگ، فیلمساز نامدار آلمانی بود، کار در سینما را در دهه ۱۹۶۰ با ساخت فیلم‌های کوتاه آغاز کرد و برای "دختر دیروز"، اولین فیلم بلند خود، در ۱۹۶۶ جایزه شیر نقره ای ونیز و برای فیلم "هنرمندان زیر چادر سیرک" سردرگم شیرطلائی ونیز ۱۹۶۸ را به خود اختصاص داد و در پنجاهمین دوره این جشنواره در ۱۹۸۲ نیز جایزه یک عمر دستاورد هنری را دریافت کرد. جشنواره امسال فیلم ونیز از ۲۹ اوت تا هشتم سپتامبر (هفتم تا هفدهم شهریور) برگزار می‌شود. بخش‌های

جنبی جشنواره به نمایش آثار او و همچنین فیلم‌های کوتاه یک دقیقه‌ای که در ۴۰ سال اخیر ساخته، اختصاص داده شده است.

جشنواره فیلم‌های مستند در کانادا

جشنواره بین‌المللی فیلم‌های مستند "هات داکس" که هر سال در تورنتو کانادا برگزار می‌شود، امسال هم چهاردهمین دوره خود را از ۱۹ تا ۲۹ آوریل برگزار کرد و ۱۲۹ فیلم مستند از ۳۰ کشور دنیا در آن به نمایش درآمد. این جشنواره در سال ۱۹۹۳ توسط گروه مستند سازان مستقل کانادا بنیاد گذاشته شد ولی در سال ۱۹۹۶ به یک سازمان مستقل تغییر شکل داد که هدفش نمایش فیلم‌های مستند و حمایت از مستندسازان کانادایی و سراسر جهان است. در حاشیه جشنواره هات داکس، بازار فیلم‌های مستند تورنتو (تی.دی.اف) هم برگزار می‌شود که معمولاً بیش از صد و سی رسانه جمعی و بخش‌کننده بین‌المللی از اروپا، استرالیا، آمریکا و کانادا در آن شرکت می‌کنند.

امسال تمرکز بیشتر بر مستندهای اروپای شرقی و مرکزی و همچنین مستندهای برزیلی بود و همچنین بخش‌هایی هم به مرور آثار "کوپن مک ماهون"، مستندساز کانادایی و "هدی هانیکمن"، مستندساز هلندی اختصاص یافته بود.

موسیقی

نمونه دیگری از

دردرس‌سازیهای وزارت ارشاد

برای هنرمندان

کنسرت گروه موسیقی آراز که قرار بود از بیستم اردیبهشت ماه به مدت سه شب در تالار وحدت برگزار شود، از سوی حراست وزارت ارشاد به دلیل پخش یک قطعه موسیقی این گروه از ماهواره منع شد.

اگر چه رحیم شهریار، نوازنده و خواننده آذری و سرپرست گروه موسیقی آراز، در پخش موسیقی گروه خود از شبکه ماهواره ای نقشی نداشته است با این حال، همانطور که در انتقاد از سیاست‌های صدور مجوز رژیم می‌گوید، این دلیل قانع‌کننده‌ای برای عدم صدور مجوز نیست.

عملکرد وزارت ارشاد در صدور مجوز و برگزاری کنسرت در یک سال اخیر بیانگر این مطلب است که در اساس سیاستی برای محدود کردن فعالیت گروه‌های موسیقی وجود دارند.

اقدام بنیاد گریبان مصری علیه

یک خواننده زن

دولت مصر یک خواننده زن این کشور را به جرم اجرای ناهنگ در یک مسجد باستانی و هتک حرمت این مکان، محاکمه می‌کند.

این اقدام در پی شکایت امامان جماعت مساجد و همچنین باستان‌شناسان وزارت فرهنگ صورت گرفت و اعلام گشت که موضوع مزبور به طور جدی پی‌گیری خواهد شد.

بلرود روستروپویچ

روستروپویچ، رهبر ارکستر، نوازنده ویولن سل و یکی از چهره‌های برجسته موسیقی جهان در قرن بیستم، در سن هشتاد سالگی درگذشت. این نوازنده روس علاوه بر موسیقی به خاطر تلاش‌هایش در دفاع از حقوق بشر و مخالفتش با سیاست‌های رژیم شوروی سابق مشهور بود؛ مخالفتی که به تبعید خودخواسته و درازمدت وی منجر شد.

روستروپویچ که پس از حمایتش از الکساندر سولژنیستین، نویسنده روس و برنده جایزه ادبی نوبل، از کشورش خارج شده بود، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و همزمان با برچیده شدن دیوار برلین (۱۹۸۹)، سوئیتی از یوهان سباستین باخ را در کشور خود اجرا کرد.

نقاشی

نزدیکی روابط دو رژیم یا دو

ملت؟

خانم رایس در مراسم گشایش نمایشگاهی از آثار ۳۰ هنرمند نقاش ایرانی در واشنگتن دی سی شرکت کرد. این نمایشگاه "رویاها و آرزوها" نام دارد و به وسیله بنیاد بین‌المللی "میریدیان" و دانشگاه تهران برگزار شده است و ظاهراً هدف خود را شناخت بیشتر مردم آمریکا از فرهنگ ایران قرار داده است. خانم رایس گفت: "امروز هنر را به زبان ارتباط درمانی تبدیل کرده ایم که می‌خواهند یکدیگر را بشناسند و درک کنند."

نمایشگاه آثار هنرمندان ایرانی در حالی در واشنگتن برگزار می‌شود که روابط جمهوری اسلامی و دولت آمریکا به خاطر تنش بر سر برنامه اتمی ایران و دخالت رژیم در درگیری‌های عراق همچنان ادامه دارد. با این حال، آمریکا به گسترش روابط فرهنگی علاقه نشان می‌دهد و مبادلات تیم‌های ورزشی و گروه‌های علمی میان دو رژیم رو به افزایش است.

استوارت هالیدی، رییس مرکز بین‌المللی "میریدیان" که یک موسسه غیردولتی فعال در زمینه گسترش روابط فرهنگی آمریکا با سایر کشورها است، اینگونه اقدامات را برای گسترش تفاهم فرهنگی مردم دو کشور با اهمیت توصیف کرده است. اما تا آنجا که این اقدامات با رضایت و همکاری جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، نمی‌توان آنرا به حساب گسترش روابط مردم دو

کشور به حساب آورد زیرا رژیم تنها افراد دستچین شده خود را به اینگونه مراسم می‌فرستد و همانطور که بارها ملاحظه شده، نمی‌خواهند مردم ایران با فرهنگ "مبتذل" آشنا شوند.

گوناگون

انتشار گزیده‌ای از اشعار مولوی

به زبان اسپانیایی

همزمان با نامگذاری بوگوتا به عنوان هفتمین پایتخت جهانی کتاب از طرف یونسکو (پس از شهرهایی در آرژانتین، هلند، پرتغال، ایرلند و اتریش)، مراسم بزرگداشت هشتادمین سال تولد گابریل گارسیا مارکز و چهلین سال نگارش "صد سال تنهایی" و بیست و پنجمین سال دریافت جایزه نوبل نیز برگزار شد.

اتفاق ادبی دیگر، رونمایی کتاب گلچینی از اشعار مولوی بود که توسط انتشاراتی معتبر "رندام هاوز موندادوری" عرضه شد. این کتاب با مقدمه و ترجمه مستقیم فارسی به اسپانیایی توسط امیر حسین فطانت، مترجم ایرانی مقیم کلمبیا انجام شده و شامل گزیده‌هایی از مثنوی، رباعیات و غزلیات دیوان شمس است که همزمان با نامگذاری سال ۲۰۰۷ به عنوان سال مولوی منتشر می‌شود.

این کتاب در سال ۲۰۰۱ در اداره ثبت حقوق مولف کلمبیا به ثبت رسید اما هیچ ناشری حاضر نبود کتاب شعر و به خصوص شعر شاعر گمنامی از قرن سیزدهم را چاپ کند تا اینکه یونسکو سال ۲۰۰۷ را سال رومی اعلام کرد و کاری را که در عمل و ناامیدانه مرده تلقی می‌شد، دوباره جان گرفت.

نهم اردیبهشت، روز جهانی رقص

امسال جهان برای بیست و پنجمین سال پیاپی، رقص، این هنر کهن را ارج خواهد نهاد. روز بیست و نهم ماه آوریل، نهم اردیبهشت ماه، روز جهانی رقص است. مهم نیست چه رقصی و در چه شرایطی، از یک میهمانی معمولی در زندگی زیرزمینی ایرانیان گرفته تا کلوبهای شبانه یا کوچک و دنج همراه با موسیقی مورد علاقه‌اروز جهانی رقص، برای نخستین بار در سال ۱۹۸۲ میلادی از سوی سازمان یونسکو به رسمیت شناخته شد. رسمیت یافتن چنین روزی در تقویم بشری نیز نتیجه تلاش‌های یک سازمان غیردولتی جهانی به نام "شورای بین‌المللی رقص" بود. سازمان مزبور، روز تولد یکی از استادان مشهور تاریخ باله در جهان به نام "ژان جرجس نوره" را به عنوان "روز جهانی رقص" برگزید.

این تلاش برای فشار به دولت‌های جهان برای اضافه کردن این هنر به نظام آموزشی خود می‌باشد. افزوده شدن درس رقص در دوره‌های آموزشی رسمی، از خواسته‌های مهمی است که از سوی بسیاری از گروه‌های هنرمند و کانون‌های فرهنگی در کشورهای مختلف حمایت می‌شود و رقصنده‌های با ذوق تاکید دارند که این درس، باید از مقطع ابتدایی تا سطوح بالاتر، در مدارس تدریس شود.

زنان در مسیر رهایی

الف. اناهیئا

ممنوعیت کار شبانه برای زنان در کارناتاكا

خلیج تایمز، پنج می ۲۰۰۷
 اخیرا دولت کارناتاكا، یکی از استان های جنوبی هند تصمیم گرفت که کار شبانه زنان را ممنوع کند. این تصمیم باعث نگرانی و خشم بسیاری از سازمانها و مدافعان حقوق زنان که آن را قهقاری می خوانند، شده است. وزیر کار کارناتاكا با اعلام خبر ممنوعیت کار بعد از ساعت هشت شب از ماه جولای سال جاری برای زنانی که در هتلها، مغازه ها و تاسیسات تجاری مشغول به کار هستند اضافه کرد: با این تصمیم قصد داریم میزان خشونت علیه زنان را کاهش دهیم. این در حالیست که نه تنها هزاران زن که در این بخشها مشغول به کار هستند بلکه کارفرمایان آنان نیز با این تصمیم شديدا مخالفت کرده اند. مدافعان حقوق زنان تصمیم مزبور را ارتجاعی و غیر علمی می دانند که حق کار مساوی مردان و زنان را لگد مال کرده است. بیش از پنجاه زن بر اساس آمارهای رسمی در صنعت هتل داری در قسمتهای مختلف مشغول به کار هستند. ممنوعیت کار شبانه زنان قادر است آنان را با بیکاری روبرو سازد و حرفه آنان را به خطر اندازد.

ازبکستان: دستگیری خبرنگار و فعال حقوق بشر

سازمان عفو بین الملل، ۱ می ۲۰۰۷
 سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه ای خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط خانم یومیدا نیازوا، خبرنگار و فعال حقوق بشر که بعد از یک دادگاهی ناعادلانه به هفت سال زندان محکوم شده است، شد.

این بیانیه تاکید می کند که خانم یومیدا، سی و دو ساله تنها به دلیل فعالیتهای حقوق بشری به زندان محکوم شده است و اضافه می کند که مسئولان دولت ازبکستان التزام داده اند که حق فعالیت آزاده و بدون ترس و تهدید از انتقام فعالان حقوق بشر را تضمین کنند. دولت ازبکستان با دستگیری خانم یومیدا نیازوا که از آزادی بیان و فعالیت سازمانهای غیر دولتی طرفداری می کند تلاش دارد وی و دیگر فعالان آزادی بیان و عقیده را مرعوب سازد. این حرکت یک گام در راستای خاموش کردن صدای فعالان حقوق بشر است.

زنان در قنا به بی عدالتی

اعتراض می کنند

آل افریقا، ۳۰ آپریل ۲۰۰۷

فعالان حقوق بشر در کشور غنا ابراز می دارند که دولت سهم حقیقی زنان را یک بعد از اعمال تبعیض علیه زنان عنوان می کنند. آنان تاکید دارند که بدون مشارکت زنان در رهایی جامعه از دست صاحبان مستعمراتی مبارزه برای استقلال ممکن نبود. جهت برجسته کردن نقش زنان در مبارزه علیه استعمار و پیشرفت اقتصاد کشور صدها زن از شبکه حقوق زنان در غنا، ائتلاف سازمانها و گروه های مدافع حقوق زنان در راهپیمایی که در همین رابطه در «اکرا»، پایتخت این کشور برگزار شد، شرکت کردند. روی پلاکاردهایی که زنان در دست داشتند نوشته شده بود: «ما گرد هم آمدیم تا عزم خود را در ادامه مبارزه برای دستیابی به حقوق کامل شهروندی اعلام کنیم»، «آقای رییس جمهور ما به زنان بیشتری در هیات دولت احتیاج داریم»، «زنان فراموش شده اند»، «زنان می بایست توسط قوانین و میثاقهای کاری مورد حمایت قرار گیرند، زنان آفریننده هستند به آنان فضا دهید».

خانم تسیکاتا، پزشک و یکی از رهبران شبکه زنان غنا ابراز می دارد که مردان و زنان هر دو با هم تاریخ کشور را ساخته اند و این موضوع باید در زندگی آنان به صورت مساوی بازتاب پیدا کند. بسیاری زنان بعد از گذشت پنجاه سال از استقلال کشور، به طور فزاینده ای از دسترسی به امکاناتی همچون آب، انرژی، مسکن، بهداشت و آموزش محرومند. بر اساس گفته های وی در شرایط فقر و محرومیت این زنان هستند که بار مسئولیت بیشتری را به دوش دارند. بنابراین دولت می بایست سیاستی را اتخاذ کند که جوابگوی نیازهای ابتدایی زنان باشد. اجرای سیاستهای غیردموکراتیک، نولبرالیستی که تبعیض جنسیتی را در نظر نمی گیرد طی سالهای متمادی باعث شده که زنان از امکانات و حقوق شهروندی محروم باشند. زنان همچنین از تصویب طرح مبارزه با خشونت خانگی بعد از تلاش طولانی آنان توسط پارلمان کشور ابراز خشنودی کرده و اما از این که رییس جمهور کشور هنوز موافقت خود را با طرح مزبور اعلام نکرده است ابراز نگرانی کردند. آنان عنوان می کنند که تمام مراحل قانونی این طرح می بایست فوراً پایان گیرد تا آموزش به زنان را آغاز شود. زنان همچنین بر معضل افزایش فقر، آزار و اذیت جنسی زنان و وضعیت بد معیشتی خانواده های فقیر در سراسر کشور تاکید و آن را بازتاب

سیاست های اقتصادی و اجتماعی عنوان کردند.

زنان در زیمبابوه

واشنگتن پست، ۲۸ آپریل ۲۰۰۷

دوازده زن طی تحصنی اعتراضی توسط ماموران دولتی به طور وحشیانه ای عریان گشته، مورد آزار و اذیت قرار گرفته و بازداشت شده اند. مدیر وکلای زیمبابوه برای حقوق بشر اعلام کرده است که شصت و یک زن به صورت حساب های گران برق و سرویس نامناسب با برگزاری تحصنی اعتراض کردند که توسط پلیس بازداشت شده و همگی در یک اطاق محبوس گشته اند. زنان بازداشت شده توسط پلیس مورد شکنجه قرار گرفته اند، چهل و یک نفر از آنان هنوز در بازداشت به سر می برند در حالی که بیست نفر از آنان به قید کفالت آزاد گشته اند. جرم آنان تحصن بدون اجازه، اختلال در نظم عمومی و آشوبگری عنوان شده است. این زنان روزهای زیادی بدون برق به سر برده اند و قادر به آشپزی برای کودکان خود نبوده اند. بنابراین در مقابل اداره برق تجمع کرده اند. رهبر «جنبش برای تغییرات دموکراتیک»، زنان دستگیر شده را با جرات خوانده و از اینکه مساله جنسی به عنوان ابزاری جهت سرکوب و شکنجه زنان استفاده شده ابراز نگرانی کرده است. قیل از این حادثه نیز قرار کفالت سی زن دستگیر شده تکذیب شده و آنان بدلیل خرابکار و تروریست هنوز در بازداشت به سر می برند. دست کم ۲۲۴ فعال و مدافع حقوق بشر زیمبابوه از یازده مارس امسال دستگیر و یا ربوده شده است.

افزایش قتل ناموسی در عراق

میدل ایست تایمز، ۲۵ آپریل ۲۰۰۷

بر اساس گزارش سازمان ملل از وضعیت حقوق بشر در عراق، ناحیه شمالی کردستان عراق که از شرایط آرامی برخوردار است شاهد رشد فزاینده قتل ناموسی است. بر اساس این گزارش در طی سه ماه اول سال جاری، زنان زیادی در ناحیه های دوهاک، اربیل و سلیمانیه به طور مشکوکی به قتل رسیده اند. تقریبا چهل مورد مرگ و میر زنان از جمله آتش گرفتن به طور تصادفی که بدون شک توسط فامیل خود به آتش کشیده شده اند بین ماه ژانویه و مارس گزارش شده است. این گزارش همچنین بر رفتار ناشایست و شکنجه بازداشت شدگان تاکید می کند. «دولت منطقه کردستان همچنان آزار و اذیت خبرنگاران و دستگیری آنان را ادامه می دهد». قابل ذکر است که کردستان عراق بعد از اشغال عراق به صورت خودگردان اداره می شود.

اعمال خشونت جنسی علیه

زنان اندونزی در آمریکا

سایپر استار تریبون، ۲۵ آپریل ۲۰۰۷

اعمال خشونت علیه زنان اندونزی در آمریکا به صورت گیج کننده ای به دلیل عدم وجود امکانات بهداشتی در محلات و عدم انجام قانون رشد کرده، این شرایط ارتکاب به «تجاوز همراه با معافیت از مجازات» را راحت ساخته است. بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل زنان سرخپوست آمریکایی و زنان بومی آلاسکا دو و نیم برابر بیشتر از زنان از نژاد دیگر در آمریکا مورد تجاوز و آزار و اذیت جنسی قرار می گیرند. این گزارش بر اساس گفتگو با قربانیان در داکوتا، اوکلاهاما و آلاسکا جمع آوری شده است.

شکاف در پرداخت دستمزد بین

زنان و مردان دارای مدرک

دانشگاهی

آسوشیتد پرس، ۲۳ آپریل ۲۰۰۷

بر پایه تحقیقات اتحادیه آمریکایی آموزشی دانشگاه زنان، زنان فقط هشتاد درصد از دستمزد مردان را بعد از یکسال فارغ التحصیلی از دانشگاه دریافت می کنند. این شکاف بعد از ده سال سابقه کار عریض تر می شود بطوریکه زنان فقط شصت و نه درصد از دستمزد مردان را دریافت می کنند. حتی در حالی که این تحقیقات تمام فاکتورها مانند ساعت کاری، نوع اشتغال، سرپرستی فرزندان و ... را مورد توجه قرار داده است اما با این حال هنوز برای یک چهارم شکاف در پرداخت دستمزد هیچ دلیل قانع کننده ای نمی یابد به جز «اعمال تبعیض جنسیتی». همین میزان نیز با گذشت زمان اشتغال زنان افزایش می یابد. علاوه بر این، کیفیت عملکرد و یا تحصیلات زنان در رفع این مساله تاثیری ندارد. با این که زنان به طور متوسط نسبت به مردان در تمام مراحل تحصیلی از جمله علوم طبیعی و ریاضیات به مقدار البته کمی اما قابل توجه ای از درجه بالاتری برخوردار هستند. اما این زنان حقوقی برابر با حقوق مردانی که دارای درجات پایین تری هستند، دریافت می کنند. این موضوع به وضوح نشان می دهد که شکاف پرداخت دستمزد با موفقیت تحصیلی زنان، از بین نخواهد رفت.

افزایش حکم اعدام در عراق

س ان ان، ۹ می ۲۰۰۷

سازمان عفو بین الملل اعلام کرد: اکنون عراق در رابطه با اجرای حکم اعدام مقام چهارم جهان را به بقیه در صفحه ۱۵

اخبار نیروگاه هسته ای بوشهر

روزنامه خراسان: چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۸۶ پس از حدود ۳ دهه فراز و نشیب اولین مرحله از مراحل سه گانه راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر انجام شد و با افتتاح واحدهای پشتیبانی، این نیروگاه اکنون آماده سوخت گذاری و سپس راه اندازی توربینهاست.

کیهان: چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۸۶ غلامرضا آقازاده رییس سازمان انرژی اتمی در حاشیه دیدار از بوشهر درباره مشکل تامین سوخت نیروگاه و اختلافات با روسها توضیح داده و گفته است که مساله سیاسی است و به همین خاطر به نفع روسیه نخواهد بود که یک بی اعتمادی برای تامین سوخت نیروگاههای هسته ای به ویژه آن دسته از نیروگاههایی که خود مسئول ساخت آنهاست ایجاد کند.

روزنامه اعتماد: پنجشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۸۶ وزارت امور خارجه روسیه درباره شلیک موشکهای جنگی حقیقی از پدافند نیروگاه هسته ای بوشهر در بامداد ششم آوریل، هفدهم فروردین ماه جاری، خواستار توضیح جمهوری اسلامی ایران شده است. ساعت پنج بامداد ۱۷ فروردین ماه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی اقدام به انجام رزمایش، با استفاده از مهمات جنگی حقیقی، در محوطه نیروگاه بوشهر و مجموعه مسکونی کارگران روس، این نیروگاه کردند که این رزمایش بدون اطلاع قبلی مسکو انجام شد و اعتراض روسها را به دنبال داشته است. سرگئی کرینکو، مدیر آژانس هسته ای روسیه، این اقدام ایران را «غیرموجه» خوانده و گفته که ما ضروری می دانیم طرف روس، پیش از انجام این قبیل رزمایشها، از آن اطلاع یافته باشد.

روزنامه خراسان: یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۶ در حالی که در پی سفر مقامهای جمهوری اسلامی به روسیه برخی اخبار حاکی از توافق ایران و روسیه در باره راه اندازی نیروگاه بوشهر بود شرکت روس سازنده نیروگاه اتمی بوشهر بار دیگر اعلام کرده که عدم پرداخت یول کاف، از سوی ایران، روند تکمیل و آینده نیروگاه را در ایهام قرار داده و نمی توان زمان مشخصی برای بهره برداری آن تعیین کرد.

روزنامه ایران: پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۶ الکساندر لوسیوکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه گفته است که در مسکو آمادگی سیاسی و تصمیم برای اجرای واحد اول نیروگاه اتمی بوشهر وجود دارد اما فاکتورهای دشواری هم هستند که ساخت آن را به تعویق می اندازند. برخی از کشورها با در نظر گرفتن تحریمها از سوی شورای امنیت، صادرات تجهیزات برای نیروگاه اتمی بوشهر را یا به تأخیر می اندازند و یا از تحویل آن خودداری می کنند و به همین خاطر اجرای نیرگاه اتمی بوشهر به تعویق افتاده است.

هجو گویی تو سری خوردگان شرم الشیخ

لیلا جدیدی
یک روز پس از آنکه آمریکاییها دست رژیم را از پشت در کنفرانس شرم الشیخ بستند، آقای حسینی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، شرط مذاکره با آمریکا را "درخواست رسمی" از جانب این کشور اعلام کرد. این در همان حال است که آقای متکی نیز از عدم وجود "طرحی برای ملاقات" خود و خانم رایس در شرم الشیخ سخن گفت.

رژیم در حالی توقع "درخواست رسمی مذاکره" را مطرح می کند که زمان کوتاهی پس از صدور دومین قطعنامه شورای امنیت علیه فعالیتها هسته ای خود، در برابر ۵۰ کشور حاضر در کنفرانس شرم الشیخ به سپردن تعهد در پیروی از بیانیه ۱۹ ماده ای این کنفرانس وادار شده است؛ بیانیه ای که مهمترین بند آن در امور امنیتی عراق، عدم مداخله در امور داخلی این کشور، رعایت حسن همجواری و عدم استفاده از خاک خود برای قاچاق اسلحه و سازماندهی تروریستها و سراح، بستن و تحت کنترل قرار دادن مرزهای خود بوده است. از جانب دیگر، بیانیه مزبور خروج آمریکا و ارتشهای ائتلاف در عراق را "به فراهم آمدن شرایط مناسب" - که البته به پایبندی رژیم به این بیانیه ارتباط دارد - موکول کرده است. تعدیل قانون اساسی و شرکت سنیها در حکومت عراق که خلاف میل جمهوری اسلامی است و همچنین پای فشردن این بیانیه بر نقش دولتهای عرب و اتحادیه عرب در پیشبرد امور عراق هم از مواردی دیگر در خدمت

پس زنی جمهوری اسلامی بوده است. برای اینکه ملاها شیرفهم شوند، خانم رایس پس از پایان کنفرانس امنیتی شرم الشیخ در یک کنفرانس مطبوعاتی نیز تأکید کرد: "رژیم تهران باید ارسال اسلحه به نیروهای شبه نظامی در عراق که به نیروهای آمریکایی و به مردم بی گناه عراق لطمه می زند را متوقف سازد. همچنین امیدوارم این رژیم به حمایت خود از تروریستها خاتمه دهد. رژیم تهران باید قوانین بین المللی را بپذیرد. در زمینه مسایل هسته ای نیز باید به قطعنامه های شورای امنیت عمل کند."

جمهوری اسلامی پای در گوری که طی ۲۸ سال به تدریج برای خود هم در رابطه با مردم ایران و هم جامعه جهانی کنده است، تلاش می کند تا عقربه ساعت را خلاف جهت بچرخاند. این تلاشهای صوری از واقعیتهای دردسرساز در دنیای واقعی برای متحجرین مستبد و مذهبی نخواهد کاست.

۱۷ اردیبهشت ۸۶

آثار چند جرعه ی پنهانی از جام زهر

منصور امان
"ساده لوحی، حماقت" و "خیانت" تنها بخشی از عباراتی است که گرایشهای گوناگون باند ولایت در توصیف اعلام آمادگی دولت برای مذاکره با آمریکا در خصوص عراق به کار می برند. زیر توپخانه مخالفان و منتقدان، حیاط خلوت باند نظامی - امنیتی در حال شخم خوردن است و این بیش از همه، اشتباه محاسبه ولی فقیه در میزان اطاعت مریدان جاه طلب اش از خود را آشکار کرده است.

از مجلس و نمایندگان "اصول گرا" تا روزنامه های خانه زادی همچون کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی و از لباس شخصیهای حزب الله تا بسیجیان مامور به دانشگاه، صدای اعتراض علیه این تصمیم و مرثیه خوانی برای "اقتدار نظام" و "عقبه استراتژیک" آن به گوش می رسد. یک گروه کفن پوش به نام "جنبش عدالتخواه دانشجویی" از قصد خود مبنی بر برپایی تجمع در برابر دفتر آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر مسند ریاست جمهوری، خبر داده است و همزمان در یک پاتک تحریک کننده، شماری از نمایندگان مجلس، با جنجال و هیاهو در حال ایجاد "گروه دوستی پارلمانی ایران و آمریکا" هستند؛ اقدامی که در شرایط ملتهب کنونی، بیشتر به ریختن بنزین در آتش مانده است.

در این حال، گفته های غیرعادی رییس دولت در جریان سفر به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مبنی بر "برقراری رابطه یک روزه با مصر" نیز نه تنها به ایجاد اطمینان به وجود یک استراتژی تأمل شده در پس مذاکره با آمریکا کمکی نکرده است بلکه، خود به شکل گیری زاویه جدیدی در این کشاکش راه برده است. تلاش بعدی آقای احمدی نژاد برای توجیه سخنان خود و متسبب کردن آن به مکالمه با یک خبرنگار مصری حاضر در کنفرانس مطبوعاتی، موضوع را از آن چه که بود، یک گام نیز فراتر برد. گافهای گماشته ی آقای خامنه ای، در درجه ی نخست موقعیت مرشد وی پیرامون آن چه که به اداره و کنترل اوضاع مربوط می شود را با علامت پرسش روبرو می سازد.

صف آرای اعضای باند نظامی - امنیتی علیه یکدیگر، تاکتیک آقای خامنه ای برای خوردن چند جرعه ی پنهانی از جام زهر را به گونه دردناکی بی اثر ساخته است. برای جلوگیری از ژرفش یابی مشاجرات و تضعیف جایگاه خود، وی ناچار به ادای توضیح در مورد این اقدام و سپس خاموش نمودن قهری قانع نشدگان است. آیت الله خامنه ای در هر دو حال ناچار است سر کیسه تنگ ملوکانه را برای پرداخت هزینه ای بسا بیشتر از آن چه که تا این لحظه پرداخته است، فراختر کند. ۲۶

۱۷ اردیبهشت ۸۶

لافهای احمدی نژاد

زینت میرهاشمی
در دنیای سیاست به حرفهای کوتوله های سیاسی توجه جدی نمی شود. البته رسانه های جمعی برای گرم کردن کسب و کار خود حرفهای آنان را هرچه داغتر و جنجالی تر منعکس می کنند. بیشتر حرفهای احمدی نژاد تاریخ مصرف کوتاه مدت دارد که فقط در جوکهایی که مردم می سازند ماندگار می ماند. برای نمونه مردم ایران در واکنش به خبر هر فاجعه ای در هر گوشه جهان بلافاصله می گویند «دنیای در حال احمدی نژاد شدن است». چند روز پیش این کوتوله سیاسی بازمهم مشتی اراجیف تحویل رسانه ها داد. او در روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت در جمع فرماندهان بسیج آمار ارایه شده از طرف مرکز مطالعات مجلس ارتجاع در مورد نرخ تورم را زیر سوال برد و همزمان یک دروغ بزرگ هم تحویل بسیجیان داد و گفت: «وقتی من دولت را تحویل گرفتم، ۳/۵ میلیون بیکار در کشور وجود داشت، در حالی که در سال ۸۴ و ۸۵ ما توانستیم (میلیون و ۹۵۰ هزار شغل جدید ایجاد کنیم)». با حساب احمدی نژاد اکنون باید در ایران فقط ۱۵ میلیون بیکار وجود داشته باشد. به گزارش ایسنا احمدی نژاد در همین سخنرانی در واکنش به مخالفتهای رقبایش در درون نظام گفت: «اینها رسماً به من پیغام می فرستند که پا در کفش ما نکنید تا ما با شما کاری نداشته باشیم. ما آمده ایم پا در کفش شما کنیم». بدون تردید احمدی نژاد برای فریب بسیجیان چنین ادعایی را مطرح کرده است. اما حتی کودن ترین عناصر سرکوبگر نظام هم می دانند که قدرت این کوتوله سیاسی به خاطر این است که او دست آموز ولی فقیه است و اگر ولی فقیه نخواهد و یا نتواند احمدی نژاد قادر نخواهد بود که پایش را حتی در کفش خودش کند. ۲۲ اردیبهشت

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرمدیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حعفر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشند. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

فرانسه	۲۰ یورو
اروپا معادل	۲۴ یورو
آمریکا و کانادا	۳۶ یورو
استرالیا	۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس نبرد در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E:mail:nabard@iran-nabard.com

جنگ خبر

اخبار روزانه را در جنگ بخوانید

www.jonge-khabar.com

به برنامه های رادیو پیشگام گوش

کنید

خالی شدن باد پروژه قدرت نمایی

منصور امان

مانور اقتدار "نظام" و به رخ کشیدن توان تسلط آن بر مردم که به روال یک سنت لو رفته از طریق فشار خیابانی بر زنان آغاز شده بود، تنها چند روز پس از اجرایی شدن، با شکستی خردکننده روبرو شده است. در همان حال که دستگاه سرپرست اوباش خیابانگرد پیرامون فتوحات خود رجز می خواند، سیل فرار مسوولان و رهبران "نظام" از طرح فضا گشای خویش و پیامدهای آن، با شتاب بیشتری به حرکت در می آید.

یک روز بعد از آنکه رییس قوه قضاییه، آیت الله شاهرودی نتیجه چرتکه اندازی خود را اینگونه به آگاهی همگانی رساند: "کشاندن پای زنان و جوانان به کلانتری غیر از ضرر اجتماعی منفعتی ندارد"، سخنگوی دولت نیز پای هم ریشان خود در کابینه را از این داستان "بی منفعت" کنار کشید و سوگند خورد: "اقدامات سخت افزارانه مربوط به دولت نیست و دولت دخالتی در آن ندارد." آقای الهام برای افزایش باور پذیری بیگانهی دولت، لازم دید مجرم را هم معرفی کند. وی گفت: "این مساله مربوط به قوه قضاییه است."

این در حالی است که تقریباً همزمان با اعلام برائت سخنگوی دولت از طرح آزار و اذیت زنان و جوانان، یک همکار وی در کابینه، آقای صفار هرنودی، با حمایت از نیروی انتظامی، رسانه هایی که به انتقاد از طرح مزبور پرداخته اند را تهدید کرد در صورت ساکت نشدن "با اقتدار با آنها برخورد می شود."

برای اثبات این امر که سراسیمگی ناشی از عقب نشینی سازماندهی نشده فقط دامن دولت را نمی گیرد، دادستان عمومی تهران نیز به میدان آمد و وضع مجازاتهای ابتکاری دیگری علیه "بدحجابان" را مژده دهد. آقای مرتضوی در این رابطه به "۵ سال تبعید از تهران" اشاره کرد که به روشنی بازی با یک کارت بالاتر از مجازات مورد انتقاد رییس خود آقای شاهرودی یعنی، "کشاندن به کلانتری" است.

با خالی شدن باد پروژه قدرت نمایی و آغاز تلاش برای فاصله گرفتن از آن، به نظر می رسد اکنون زمان برای ترمیم چهره "نظام" که طرح "مبارزه با بدحجابی" کمک زیادی به نشان دادن عضلات آن به جامعه نکرده، فرا رسیده باشد. در این رابطه و برای دراز شدن، "سردار" مربوطه انتظامی می تواند سوزه ارزان و مفیدی به شمار رود.

۵ اردیبهشت ۸۶

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۳

خود اختصاص داده است. در همین رابطه دختری بیست و پنج ساله به دلیل قتل سه نفر از خویشاوندان خود به اعدام محکوم شده است. وی ابراز می دارد که قتل انجام نداده است. اما ماموران در زندان با توسل به شکنجه و تجاوز او را مجبور کرده اند که به این اتهام اعتراف کند. اثرات شکنجه بر اثر آویزان کردن وی به سقف زندان بر روی ساعدهایش مشخص است. خانواده اش نیز اصرار دارند که وی کسی را به قتل نرسانده است. بر اساس این گزارش قاضی در زمان دادگاهی به حرفهای محکوم به اعدام هیچ اهمیتی نداده است. او اصرار دارد که شوهرش این عمل را انجام داده است و به رای دادگاه شکایت کرده است اما با شکایت او موافقت نشده و در انتظار حکم اعدام به سر می برد. سازمان عفو بین الملل در این مورد ابراز می دارد که موارد از این دست بعد از روی کار آمدن دولت جدید غیر معمولی نیست. بسیاری از دادگاهی ها با استانداردهای جهانی به هیچ وجه مطابقتی ندارد. سازمان عفو بین الملل اضافه می کند که حکم بعد سقوط صدام حسین توسط نیروهای آمریکایی و انتقال قدرت به عراقی ها، افزایش یافته است. بعد از آن بیش از ۲۷۰ نفر به مرگ محکوم شده اند و صد نفر که این میزان شامل صدام حسین هم می شود، اعدام شده اند. چهار زن در حال حاضر منتظر اجرای حکم اعدام هستند. دو نفر از این زنان همراه با بچه های یک ساله و سه ساله خود در زندان به سر می برند.

«فرهنگ عفاف و حجاب»

بقیه از صفحه ۱۶

ارشاد، شرکتهای و اداره های وابسته به دولت را موظف به رعایت این دستورالعملها می کند. خبرگزاری آفتاب روز ۱۴ اردیبهشت در رابطه با این خبر اعلام کرد که از جمله موارد این دستورالعمل این است که: «کلیه ادارات موظفند که مبلمان اداری در ساختمانها را بر اساس حفظ حدود حریم شرعی بین کارمندان زن و مرد طراحی کنند و از به کارگیری معماری open بپرهیزند چرا که این گونه معماری موجب عدم رعایت حریم شرعی بین کارمندان می شود.» این طرح قبلاً به برخی از دانشگاهها ابلاغ شده بود و دانشجویان را هنگام ورود کنترل می کردند. این عمل با اعتراض گسترده دانشجویان مواجه شد طوری که هیچ جنبه اجرایی نتوانست پیدا کند. این راه کارهای ارتجاعی نشان از بربریت حکومت دینی در برابر مردمی است که در اشکال مختلف و با زبانهای گوناگون بارها با بانگ بلند اعلام کرده اند که «دین حکومتی و حکومت دینی» نمی خواهند.

۱۶ اردیبهشت

«در جهنم گرفتار شده بودم»

زینت میرهاشمی

روز اول اردیبهشت طرح سرکوب زنان با عنوان «مبارزه با مفاسد اجتماعی» و «مبارزه با بدحجابی» از طرف نیروهای انتظامی در خیابانهای تهران به اجرا گذاشته شد. استبداد مذهبی حاکم بر ایران، در جهنمی که برای مردم به وجود آورده است، بعد از نزدیک به سه دهه فشار، سرکوب و زندان در برابر مقاومت زنان در برابر حجاب تحمیلی، موی زنان و آرایش آنان ریشه به اندامش می افتد و چنین مزدورانش به شکار زنان در خیابانها پرتاب می زند.

شب نهادان بیرون آمده از قرون وسطی، در سرکوب زنان، از خود زنان هم استفاده می کنند. زنانی پوشیده شده در چادرهای سیاه، به مردان نظام چهل برده وار یاری می رسانند. پلیس زن، پاسدار زن، بسیجی زن، زنانی که برای سرکوب زنان در خیابانها این روزها به کار گمارده شده اند. اتخاذ رهیافتهای خشن از سوی حاکمیت، نشان از ورشکستگی بنیادگرایی اسلامیت، فرارویش چنین شیوه های سرکوبگرانه همانا کنش عصیانگرانه جوانانی است که پس از انقلاب علیه نظام سلطنتی، متولد شده و در چارچوبهای ایدئولوژیک این رژیم به مدرسه رفتند و به نام دین و مذهب ارتجاعی ترین اندیشه ها به آنان تحمیل شد.

روز شنبه اول اردیبهشت خبری در پایگاه اینترنتی پاسدار محسن رضایی، (بازتاب) درج شد. این خبر در مورد شکنجه جوانی در شهر رامهرمز که به اتهام «کفر زدی» دستگیر شده می باشد. این جوان جهت اقرار به اتهام وارده شده انقدر شکنجه شده است که می گوید: «باور این کابوس سخت بود، اما در جهنم گرفتار شده بودم.»

سایت بازتاب که در تضاد بین نیروهای ناجا این مطلب را انعکاس داده، گوشه هایی از شکنجه بر این جوان را از قول وی درج کرده است. وی در رابطه با یکی از شکنجه ها نوشته است: «طناب کوتاه شده بود، مرا از همان بالا رها کردند، به طوری که دستهایم از پشت، بالا رفته و تقریباً نیم متری با زمین فاصله داشتم، ناگهان شروع به ضرب و شتم پاهایم کردند. مثل کابوس بود، نه خود کابوس بود... در واقع مرا اعدام کرده بودند با این تفاوت که طناب دار در گردنم نبود، وحشتناک بود، کتفها و قفسه سینه ام در حال جدا شدن از بدنم بود. فکر می کردم ۲۰ تا ۳۰ دقیقه دیگر بیشتر طول نمی کشد، فقط از خدا کمک می خواستم. وقتی چشمانم را باز کردند، آقای مامور... از من خواست که برگه ای را انگشت بزنم، ولی من دستی نداشتم، آنها خودشان انگشتم را گرفتند و انگشت زدن و بدین ترتیب من به جرم ناکرده کیوتر دزدی که متهم شده بودم، اعتراف کردم.»

وقتی جوانی به اتهام «دزدی» چند کیوتر دستگیر می شود چنین گرفتار جهنم آخوندی می شود، می توان تصور کرد جوانانی که به «اقدام علیه نظام جمهوری اسلامی» دستگیر شده و می شوند، در سباهچالها و بیدادگاههای توحش رژیم چه بر سرشان آمده است که هنوز عمق آن برملا نشده است

۲ اردیبهشت ۸۶

NABARD - E - KHALGH

No : 263 22.Mai. 2007 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Post fach 102001 / 50460 Koln / GERMANY

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

سرود انترناسیونال

سرود انترناسیونال توسط «اوژن پوتیه»
[Eugé Pottier] به زبان فرانسه
سروده شده و تقریباً به تمامی زبانهای
دیگر ترجمه شده است.

سرود انترناسیونال با ترجمه ابوالقاسم لاهوتی

منبع: دیوان ابوالقاسم لاهوتی، اداره
نشریات به زبانهای خارجی مسکو،

برخیز، ای داغ لعنت خورده،
دنیای فقر و بندگی!
جوشیده خاطر ما را برده
به جنگ مرگ و زندگی.
باید از ریشه براندازیم
کهنه جهان جور و بند،
آنکه نوین جهانی سازیم،
هیچ بودگان هر چیز گردند.

روز قطعی جدال است،
آخرین رزم ما.
انترناسیونال است
نجات انسانها.

بر ما نبخشد فتح و شادی
خدا، نه شاه، نه فخرمان.
با دست خود گیریم آزادی
در پیکارهای بی‌امان.
تا ظلم را از عالم بروییم،
نعمت خود آریم به‌دست،
دمیم آتش را و بگوییم
تا وقتی که آهن گرم است.

روز قطعی جدال است،
آخرین رزم ما.
انترناسیونال است
نجات انسانها.

تنها ما توده جهانی،
اردوی بی‌شمار کار،
داریم حقوق جهانی،
نه که خونخواران غدار.

گرد وقتی رعد مرگ‌آور
بر رهنان و دژخیمان،
در این عالم بر ما سراسر
تا بد خورشید نورافشان.

روز قطعی جدال است،
آخرین رزم ما.
انترناسیونال است
نجات انسانها.

سرود انترناسیونال با ترجمه احمد شاملو

منبع: شماره ۳۳ «کتاب جمعه»
[ویژه‌نامه روز اول ماه مه]، ۱۱
اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹

برخیزید، دوزخیان زمین!
برخیزید، زنجیربان گرسنگی!
عقل از دهانه آتشفشان خویش تندر وار
می‌گرد
اینک! فوران نهائی ست این.
بساط گذشته بروییم،
به‌پا خیزید! خیل بردگان، به‌پا خیزید!
جهان از بنیاد دیگرگون می‌شود
هیچیم کنون، «همه» گردیم!

نبرد نهائی ست این.
به‌هم گرد آئیم
و فردا «بین‌الملل»
طریق بشری خواهد شد.

رهاننده برتری در کار نیست،
نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب.
خود به رهائی خویش برخیزیم، ای
تولیدگران!
رستگاری مشترک را برپا داریم!
تا راهزن، آنچه را که ربوده رها کند،
تا روح از بند رهائی یابد،
خود به کوره خویش بردمیم
و آهن را گرماگرم بگوییم!

نبرد نهائی ست این.
به‌هم گرد آئیم
و فردا «بین‌الملل»
طریق بشری خواهد شد.

کارگران، بزرگان

«فرهنگ عفاف و

حجاب» و

«تبعید زنان»

زینت میرهاشمی
پاسداران شب که از قعر قرون بیرون
آمده اند در پی طرح ناکام «مبارزه با
پدحجابی»، که نزدیک به سه دهه از
آن می‌گذرد، این بار با ساز و کاری
دیگر به جنگ مردم می‌روند. از آن
جایی که سطهای سوسک، تیغ
کشیدن روی صورت، جریمه‌های
نقدی سنگین، تجاوز و ... نتوانست
حجاب حکومتی را بر پا دارد، «تبعید»
به عنوان حربه ای دیگر مطرح می
شود.

رژیم از اول اردیبهشت با گسیل چکمه
پوشان ارتجاع طرح «مبارزه با بد
حجابی» را به اجرا گذاشت. دادستان
عمومی تهران در گفتگویی با
خبرگزاری حکومتی فارس از تبعید
زنانی که «ارشاد» نشوند خبر داد.
مرتضوی دادستان ستمگر تهران برای
توجیه بربریتش، ماده ای از قانون
ارتجاعی ولایت فقیه را به رخ کسانی
که تسلیم حکومت نمی‌شوند می‌کشد
و آنان را به جنگ فرا می‌خواند. وی
می‌گوید: «چنانچه این افراد به
تذکرات توجه نکرده و اعمال مجازات
قانونی برای آنها موثر واقع نشود
مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی
آنها را به شهرستان زادگاه خودشان
تبعید می‌کنیم.» وی میزان تبعید را تا
۵ سال ذکر کرد.

در ادامه اجرای این طرح ارتجاعی،
صفا هرنندی وزیر فرهنگ و ارشاد
رژیم، دستورالعملهایی برای رعایت
حجاب و جدایی زنان از مردان در
محیط کار، با عنوان «طرح راهکارهای
اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و

حجاب» اعلام کرد. وزیر
بقیه در صفحه ۱۵

فرقه عظیم زحمتکشانییم ما
جهان جز از آن آدمیان نیست
مسکن بی‌مصرفان جای دیگری است.
تا کی از شیرۀ جان ما بنوشند؟
اما، امروز و فردا،
چندان که غرابان و کرکسان نابود شوند
افتاب، جاودانه خواهد درخشید.

نبرد نهائی ست این.

به‌هم گرد آئیم
و فردا «بین‌الملل»
طریق بشری خواهد شد.

شهادای فدایی

خرداد ماه

رفقا: حسن نیک داوری - امیرپرویز
پویان - نادر شایگان شام آسی -
اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله
پیرو نذیری - بهروز دهقانی - حسن
معصومی همدانی - علیرضا شهاب
رضوی - حبیب برداران خسروشاهی -
مریم شاهی - خسرو تره گل - حسین
سلاحی - مینا طالب زاده شوشتری -
علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین
موسوی دوست موچالی - رفعت معماران
بناب - سلیمان پیوسته حاجی محله -
نعمت با شعور - سعید سلطان پور - ماریا
کاظمی - اسماعیل هادیان - منصور
فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی
(در هند) - محمدرضا محمدیان باباعلی
(کاک رشید) - حمید امیر میرشکاری -
ولی سوسنی - منوچهر ویسی - جعفر
قنبرنژاد - مهنوش آزیون - شاپور
جلیلی - جواد باقری، طی سالهای ۴۹
تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران
امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای
دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به
شهادت رسیدند.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم